

غلامحسین ساعدی و سهم او بنیادنامه  
فارسی

مقاله برای دریافت پیش‌دکتری

از

محمد اخلاق آنزاد

تحت راهنمایی

دکتر زکریا شریف قاسمی



مرکز زبان و ادبیات فارسی و مطالعات آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان و ادب فرهنگ

دانشگاه جواهر لال نهرو

دهلی نو ۱۱۰۰۶۷



JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY  
NEW DELHI-110067

21 July 2001

Centre for Persian and Central Asian Studies

## DECLARATION

I declare that the material in this dissertation "GHULAM HUSSAIN SAEDI AND HIS CONTRIBUTION TO PERSIAN DRAMA" submitted by me is original work and has not been previously submitted for any other degree of this or any other university/Institution.

*Z.S. Qasbi*  
*19/7/2001*

DR. ZAKIRA **SHARIF** QUASMI  
(Supervisor)  
CP & CAS/ SLL & CS/JNU

*M.A. Azad*

MD. AKHLAQUE AZAD  
Name of the Student

*Mahmood Alam*

PROF. MAHMOOD ALAM  
(Chairperson)  
CP & CAS/ SLL & CS/JNU

**Chairperson**  
**Centre of Persian & Central Asian Studies**  
**SLL & CS**  
**Jawaharlal Nehru University**  
**New Delhi-110067**

## فهرست

الف - ج

پیگفتا

فصل اول - احوال و آثار غلام حسین ساعدی و معاصران

۱ - ۲۵

فصل دوم - اوضاع سیاسی اجتماعی و ادبی معاصر ایران

۲۵ - ۴۸

فصل سوم - نمایندگان و نمایندگان نویسی در ایران

۴۸ - ۶۸

فصل چهارم - سیم غلام حسین ساعدی بر بنیاد فارسی

۶۸ - ۱۰۱

۱۰۱ - ۱۰۸

نتیجه گیری

۱۰۸ - ۱۰۵

کتابخانه

## پیتگفتار

در قرن سیزدهم هجری ایرانیان <sup>بتدریج</sup> با فرهنگ و تمدن غرب آشنا شدند و آشنای با  
 افکار و اندیشه‌های اروپائیان و تأسیس دارالفنون و چایخانه و نشر افکار آزادخواهان  
 در کتابها و روزنامه‌ها و برقی مسائل دیگر موجب بروز نهضت مشروطیت در اوضاع و احوال  
 اجتماعی ایران گردید. انقلاب مشروطیت نوعی جنبش آغاز عصر جدیدی در تاریخ حیات  
 سیاسی و اجتماعی ملت ایران بود از این رو بتدریج شیوه‌های نوپندگی قدم به سمت  
 فراموش سپرده و ساده نویسی و روانی جای متعلق نویسی را گرفت و انقلابی را پس  
 در نظم و نشر پدید آمد.

شماره‌ها و روزنامه‌ها و کتابهای مختلف اعم از کتابهای علمی، هنری  
 ادبی، رمان، داستانهای کوتاه، نمایشنامه‌ها، روزنامه‌ها و کتابهای کودکان دیده  
 می‌شود. نشری است که صرفاً مابقی از سادگی دارد. نمایشنامه که بهترین و سدیدترین  
 و اصله اجتماع به شمار می‌رود که در سراسر جهان در انواع مختلف موجود است ایرانیان  
 هم سومی نمایشنامه نویسی نوع دادند و بهترین و جالبترین نمایشنامه‌ها در ادبیات  
 فارسی از نویسندگان مختلف بر صحنه ادبیات فارسی وجود آمدند و هنوز بر موضوع  
 نمایشنامه چند تحقیق شده است ولی متأسفانه کمی از بزرگترین نمایشنامه نویسی‌های

ایران کمپیش از یانزده نماینده نوشت و اغلب نماینده نام که در دست ما است  
 ولی کسی زحمت نکرد که بسوی نماینده نامه و نویسنده توجه بدهد نام او غلام حسین ساعدی  
 که بنام گوهر مراد معروف است. حال آنکه در دانشگاه جواهر لعل نهرو چند نماینده  
 گوهر مراد در دست است.

من در این مقاله پیش دکتر سعی کرده ام که گوهر مراد و سهم او و به

نماینده نامه فارسی را به تفصیل نویسم مقاله حاضر چهار فصل دارد.

در فصل اول سعی کرده ام که احوال و آثار غلام حسین ساعدی (گوهر مراد) و

معاصران او مانند صادق چوبک، علی اکبر دهخدا، صادق هدایت، جلال آل احمد، جمالزاده

که برای نوشته های شان شهرت زیادی دارند بررسی کنم چطور به نزدیک ایرانیان

ایشان ارزشی دارند و زندگی گانی این شش نویسنده بزرگ در جامعه شان گذاشته اند.

در فصل دوم اوضاع سیاسی اجتماعی و ادبی از اوایل دور محاجرت تا رضا

شاه پهلوی را بررسی کرده ام بیشتر فکتها که در مختلف زمینهای ایران روفاشند همه

به تلسل در دست و در الفنون و روزنامه هم که برای پیشرفت ایران سهم بلندی دارد

بررسی کرده ام.

در فصل سوم درباره آغاز و پیشرفت نماینده نامه بررسی کرده ام.

نمایشنامه که در ایران در زمان قدیم رایج بود ولی اغلب مبنی بر مذهب بود. ولی بعد از آنکه

تغییراتی در ایران نمایشنامه‌های متعددی بر صحنه ادبیات فارسی وجود آمدند.

مردمان که این فن را به عبده بلندی رسانیدند، هم آنها را به اجمال بررسی کرده‌ام.

در فصل چهارم "سهم گوهر مراد بر نمایشنامه فارسی" را بررسی کرده‌ام. از این فصل.

نمایشنامه‌های مختلف گوهر مراد را به اجمال بررسی کرده‌ام مانند چشم در برابر چشم،

بهترین بابای دنیا و نمایشنامه دیگر.

بسیار خداوند عزوجل که این فرصت را بخشیده تا این مقاله تحقیقی را پایان

به رسالت از خانم دکتر ذاکره شریف قاسمی بسیار تشکر عرض می‌کنم که تحت راهنمایی

ایشان به مقصود رسیده‌ام. همیشه از شفقت بی‌دریغ و تشویق بی‌خلوص استادان محترم

پروفسور دکتر محمود عالم و پروفسور عبدالخالق رشید برخوردار بوده‌ام. از تمام دوستان

با خصوص فیروز عالم، محمد فیاض عالم، محمد مستقیم علی، گریما، اراد هنا و برادر

عزیز من محمد اشفاق چاند سیاست گذارم که هر گلی را که کم خواستم ایشان بعبده

رسانید.

## فصل اول

احوال و آثار غلام حسین سعیدی و معاصرین

## احوال و آثار غلام حسین ساعدی و معاشر او.

غلام حسین ساعدی معروف بنام گوهر اردبیلی از برجسته ترین و بزرگترین نویسندگان جوان و طرفداران نوگرایی ایران بوده است که توسط نوشته‌هایش معنی اصلی و واقعی نوگرایی و تجدآوری را به ایران مخصوصاً طبقه جوان معاصر خوانندگان بعدی نشان داده است. این نویسنده در سرزمین آذربایجان دنیا آمد و در دانشگاه تهران روانپزشکی را فراگرفت و سرانجام به سبب نمایالت به ادبیات نویسنده‌گی را برگزید. در طول زندگی خود جریانهایی تجدخواهی و نوگرایی را از نزدیک مطالعه و مشاهده کرده بود و درین زمینه تجربه‌های بسیار اندوخته بود. تجارب و مشاهدات و دید قطع او را راجع به پیشرفت واقعی جامعه و روی هم رفته کشور بدرجه‌ای در نوشته‌های وی میتوان دید که همه از آنها بر روشنفکری دکتر غلام حسین دلالت می‌کند.

زندگی گوهر اردبیلیش فقط در وجود وی در یکی از نامه‌های خود به

نگارنده نوشته بود -

از احوال پیری شما ممنوم، وی حقیقت این است که فکر نمی‌کنم کسی درین دنیای

آشفته حال خوبی داشته باشد. وی در آخر زندگی به امان پاس و نومیدی پناه برد اگرچه

خیلی علاقه با فرهنگ و هنر ایرانی داشت ولی ابتذل و فساد جامعه‌ای که در آن می‌زیست



هم آشناسند. شکی نیست که عوامل گوناگون این فساد را بخوبی درک نمود و در آثار خود آنها را تجزیه و تحلیل کرد و لو بد بخانه خود را در دریای تریاک و اعتیاق غرق نمود و زندگی پر از زش را ابلهها بیان رسانید.

گوهرراد در پاریس رخت زندگی را به بست صادق هدایت گوهراد، فروغ فرخزاد و چندی دیگر از همین قبیل نالغم زمانی بودند که نقش بندی افکار و اندوهان ایشان در گهواره اسلام شده و رنگسازي این نقشها در محیط مارکسیسم و لینینیسم و سوسیالیسم (Marxism & Leninism) (Socialism) گردید. ایشان سر نوشته های تلخ و زندگیهای مملو از خین و افندی داشتند. خین زمانی که می دیدند وی داشتند قوه ادراک نشان را عقاب وار شینتر می کرد و افندی زمانی و اداری می کرد که در آثار خود مسایل نسبل جوان ملت ایران را بروز بدهند.

گوهراد از عمیق قلب به حکومت استبدادی نفرت و کین بی حد خود را آشکار ساخته دشمنان خود را با نفرت و عمارت می نگریست. حتی یکبار برای یک لحظه در برابر آنان سر خم نه کرد. در آن زمان که همین با سپاست ستم کارانه اختلف دست و گریبان بود. زبان مردم ساده از ترس بسته بود و صاحبان قدرت چابلو سانه زندگی می کردند امیدوار نیستند که کشور را بزندان بزرگی تبدیل ساخته بودند او همیشه دوست داشت که

حقیقت آشکار سازد و دانشگاه تنهایی را بطرف عدل و نیکوکاری دعوت کند همین بود که زندانی شد و بر وشکسته ای را که طبقات روشنفکر تجلی کردند نصیب وی گردید او از میان مردم برخاسته و هنر خود را در خدمت اجتماع نمایش داد. وی هنگامیکه در اندوه عمومی شریک می شد به خاطر دل جو و لاوشکسته شان خون دل می خورد. نماینده های دانشوران همان جگر فونی و دلسوزی است او در بین دانشمندان همیشه های قوی طنز و نیش ترا ظرافت. سیاست و عدالت و وضع اجتماعی و اقتصادی و بون حالی دانشگاه را مورد انتقاد قرار داده است -

غلام حسین ساعدی نخستین نوشته های خود را در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی چاپ رسانید و ازین به بعد کار نویسندگی خود را پیش برد. می توان گفت که او نه فقط پزشک بود ورنه دانشان نویسنده و نماینده نویسنده اعلی و باهر بود. آثار غلام حسین ساعدی تماشا و فقر است. فقر بیرون و فقر درون نماینده نامه و دانشان او سه زمین اساسی دارد -

اول بندرهای جنوب کشور اقلیمی خشک و فقیر با بیماری ها بومی و خرافات.  
دوم - روستای آذربایجان به خوردن نافع دسته های کوچک ده، واحدهای اقتصادی کوچک و علیل، اذهان گرفتار موهومات و علت ها -

سوم بشهر بزرگ بار و شکرانش با بسیارستان هایش بالاگران و پیکارانش هوای شکر که  
 در این سه سرزمین مستولی است فقر و جنون جهل است در میان افشار گوناگون رنایم  
 ساعدی باطبعی ازویم و هراس در آمیخته است نوع سادگی گزارشگران و اهل مشخصه شتر  
 ساعدی است از آثار داستان او عبارت اند از -

- ۱ عزاداران بیل -
- ۲ شب نشینی با شکوه ( داستان طولانی در سال ۱۳۳۹ ش )
- ۳ دندیل ( ۲۲۵ هـ ش )
- ۴ واپسهای بی نام و نشان ( ۱۳۳۶ ش )
- ۵ اشتغالی لدونی
- ۶ ترس و مرز
- ۷ آرایش در حضور
- ۸ توب و گور و گهواره ( مجموعه داستان )
- ۹ گذار داستان کونا ۵ )
- ۱۰ خاکسپاری نشین ها
- ۱۱ خانم بزرگ

۱۲ سعادت نامه

۱۳ خنیم صبا هو

۱۴ ودك با اسلمه

۱۵ تب (داستان)

۱۶ خانه روشنی (مجموعه پنج قسم)

۱۷ اصل و هو

۱۸ پرواز بندران

۱۹ عاقبت

نمایشنامه ها

۱ دیکته

۲ زراوی

۳ بهترین بابای دنیا

۴ خنیم در برابر خنیم

۵ وای بر مغلوب

۶ جانشین

انتشارات نیل

تهران ۳۵۳۴

تهران ۲۷-۲۵

۷ ای بی کلاه ای باجلا ۲۷-۲۵ تهران

۸ کاربانگ مادرنگر ۲۷-۲۵ چاپ سوم جایخانه ارزنگ

۹ دعوت

۱۰ ماه اسفل ۲۷-۲۴ جایخانه سپهر تهران

۱۱ دست بالای دست

۱۲ چوب بر دستهای و زریل

۱۳ خوشا به حال بردباران

۱۴ من و کچل و کیکاوس

۱۵ عاقبت علم فرسائی ۲۵-۳۵

۱۶ این بر آن دور ۲۵-۳۵

تقریباً همه نوشته های گوهر مراد دو جنبه دارد یکی جنبه ریاضیست دیگری  
 سمبولیک. برای همین است که طبعم انتگونیل طبعم محصل کرده و کاسب و بالانتره آن  
 طبعم روشنگر تاب از جمله بریده تنبل بی درد ما همه و همه نماینده های ادواری  
 بنیند، می فهمند ولادت می برند بهر آدمپالیشش را می شناسند و همه درد های آن  
 آدمها را چشیده اند. سخنان همه آدمها او سخنان خود آنهان است.

به طور کلی می شود گفت که گوهر مراد سوزش نوشتن قلم ای از زندگی در حیطه یک واقعه  
 یا حادثه، هم یک نقاش، هم یک نویسنده و هم یک روانشناس و از همه اینها گذشته  
 یک آدم باهم آن صفاتی که فرانسویس بکن گفت که اگر از انسان بگیرند از او جز  
 یک جعبه استخوانی چیزی نمی ماند، یعنی روپاها و خاها و همها.

غلام حسین از نویسندگان پر استعداد و آزادخواهان و مشروط  
 طلب ایران بوده است داستانهای خود را مثل آئینه آسمانی ساخته است که خوانندگانی  
 تواند بخوبی و بر ارضی تمام نقوش و زوایای طبقه مختلف نوده مردم جامعه آن زمان ایران  
 مشاهده کند. یعنی دکتر غلام حسین سعدی قبل از همه مانند روشنفکران مجدد و  
 ترقی خواه چهره زشت و فضیلت آمیز و بر مسائل جامعه ایرانی را پیش خوانندگان آشکار  
 کرده است و خوانندگان را نسبت به زشتی آن آگاه تر بنیادتر و هوشتیارتر ساخته است او از  
 عمق دلی خواست که زشتی ها از جامع ایرانی بین برود و عقیده داشت که تا وقتیکه دردهای  
 ملک و ملت بخوبی درمان نشود تجد و نوگرایی نتیجه ای نخواهد آورد. در داستان  
 "غزاداران بیل" از ورود تکنیک مهاجم و استعماری به جامعه آینه ای که آمادگی ذهنی برای قبول  
 آنها ندارد او گردان بنظری رسد در هشتمین داستان مجموعه "غزاداران بیل" این نوع عقیده  
 سعدی نمایان است. درین داستان بلی ها در جاده صندوق فلزی پیدا می کند

وانرا یکی از معجزه های زیارتگاهی می پندارند بلا آخره هندوئی را به ده می آورند.

نشر ساعدی آن قدر در خدمت انتقال موضوع است که نمی توان گفت و نریگی

مشخص نه دارد با این حال ساعدی با این نشر در نمایش نزدیک و کامل موقعیت ها و آدم  
های (اغلب عجیب) قصه هایش موفق است. مثل این لحظه از مغرب یک دهکده.

دختری مندری با باسرمه کشیده و آمد لپشت بام نشست بلی ها هیچکدام

بیرون نبودند یا باغ روی دیوار خانه که خدا نشسته بود و سرش را گذاشته بودی روی

پاهایش و خوابیده بود.

مندری بابا، گوی اناق در از کشیده بود، باریشس حنا بسته اش بازی

می کرد و از سوراخ سقف شیشه قرمز دخترش را نگاه می کرد.

اسلام سوار گاری، وارد ده شده و رفت کنار استخرا سطل را پر کرد و رفت

جلو دهان امب. اسب آب خورد بز سپاه اسلام از پنجه آمد بیرون و رفت کنار

گاری و پنجه های مه شده را که بر چرخ های گاری چسبیده بود لیس زد. شب می سپید.

همه منظر بودند سرها را از پنجه ها بیرون می کردند و گوش می دادند.

جاده خاموش بود

دکتر مشدی بابا انگلیس اب.

## هره نام‌نشنده بود ۱

رمان‌های غلام حسین ساعدی یک جنبه جداگانه دارد در "توب" پیروی روحانیان را در نظر گرفته بیش بینی کرده است که سعادت آینده ایران در اتحاد ملی در دست روحانیان دانشمندان است نه ملایان و آخوندهای علامتی که فقط مالک محراب باشند.

داستان "اهل هوا" بظاہر مجموع است از یادداشت‌های مسافری دقیق و کنجکا و نویسنده آن نیز با فرضی که خاص او است ادعائی بر این نه دارد. اما در حقیقت مقدمه ای است بر سلسله تحقیقاتی که باید درباره آداب و رسوم پیچیده و شگفتی که در گوشه و کنار سبز زمین مابراکنده است. انجام گیرد.

غلام حسین ساعدی نه فقط نهایت نام‌ها و داستانها نوشته است بلکه او موضوعات دیگری هم قلم برداشته است. چونکه از نوشته او آشکار است که سفرنامه هم نوشت و فقیه او باز دید خبا و کرد "خیابان" یا بانام اموزیش "مشکین شهر" ترکیب عالی است از ده و شهرک دریای (ساوالان) کوه عظیم و افسانه ای از زبانان افغان این دفتر یادگار سفر کویاھی است به یک آبادی اسم و رسم دار و آنچه درین جای آید یادداشت‌های برکنده ای است از دیدها و شنیدها با تبویب و تدوین مختصری به چاپخانه فرستاده شده.

و نویسنده نه ترسیده است که مبادان افغان مطلب بهمانی را خوش نیاید و در نظرش بی‌شمه اعزازارن بیل - انتشارات آگاه چاپ دهم ۱۳۵۵ صفحات ۲۵ - ۲۶



جلوه نماید. زیرا آنچه که در نظر عمو (دوربینچی) است ممکن است روزگاری به کار زبرد بیاید  
و یا بالعکس -

در پایان گفت که روح ایشان آزادی فکری، رشد ذهنی عرفان، روح و زندگی  
و تلاش برای نامین آرامش زندگی اجتماعی است -

## معاصر گوهر ار

اگر یک نگاه کلی به همه شش نویسنده معاصر <sup>یدالله غلام حسین</sup> حسینی ساعدی، علی اکبر دهخدا، صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل احمد و جمالزاده می‌کنیم معلوم می‌شود که طنز و نثر انتقادی شخصی نوشته‌های آنها است ولی دقیق ترین طنز نویسی با نثر ویژه ای که در نوشتن مقالات انتقادی صورت گرفته به کاربرد و بیان گذار نثر طنز و انتقادی فارسی شناخته شد.

طنزهای آنها با عشق و علاقه و دلسوزی به حال مردم خرد

پایه‌ها است همه نویسنده معاصر به وسيله داستانها، نمایشنامه‌ها، رومانها

تأهیدی سعی نموده است که در مردمان ایران بیداری بیاورد همه برای اصلاحی

نوشتند و آنها در همه نوشته خود معایب و نواقصی را که در جبات زندگی پدید آمده

بود، بر طرف می‌کردند. آزادی، حق، عدالت زنان موضوعهای آنها بود. چکیده

احوال و آثار دهخدا، صادق چوبک، صادق هدایت، جمالزاده، جلال آل احمد.

همین طور است نویسندگان معاصر مسندها و اوضاع زنان ضابطه منکوب و واژه‌ورده

را در کسوت اخلاقی در نوشته‌های خود سرسیم می‌دادند

### علی اکبر دهنخدا

علی اکبر دهنخدا حدود سال ۱۹۹۷ هجری قمری در تهران به دنیا آمد. پدر دهنخدا خانباخان  
 از ملاکان متوسط قزوین بود. پس از تولد وی به تهران آمده و در این شهر ساکن شده  
 بود علی اکبر ده ساله بود که پدرش وفات کرد و دهنخدا با سرپرستی مادر تحصیل خود را  
 ادامه داد.

یکی از فضلاء آن عصر به نام شیخ علاءحسین بروسردی که در مدرس حاج  
 شیخ هادی جره داشت، تعلیم دهنخدا را عیب ده دار بود، مرحوم دهنخدا غالباً فی  
 هر چه دارد، برابر تعلیم آن بزرگ مرد است بعد ها که در مدرسه سیاسی تهران افتخار شد  
 دهنخدا در آنجا به تحصیل پرداخت. به علت همسایگی با مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی  
 دهنخدا با وجود صغر سنی از حرف آن مرد استفاده می کرد و در همین دوران به فرا گرفتن زبان  
 فرانسوی پرداخت و بعد همراه معاون الدوله غفاری به اروپا رفت و در آنجا زبان فرانسه و  
 معلومات جدید را تکمیل کرد.

بازگشت دهنخدا به ایران مصارف با آغاز مشروطیت بود در آن  
 هنگام وی در انتشار روزنامه صور اسرافیل که از جمله معروف صدر مشروطیت بود با مرحوم  
 مرزا جهانگیرخان و مرزا قاسم تبریزی به همکاری پرداخت پس از تأسیس مجلس

در دوره محمد علی شاه، دهخدا با جمعی از آزادخواهان به اروپا رفت و وی در اروپا  
 با مرحوم علامه محمد قزوینی معاشر بود و در سولسین پنز سه شماره از روزنامه صهرامبرافیل  
 را منتشر کرد و سپس به استانبول رفت و در آنجا نیز در انتشار روزنامه «شروش» با آزادی  
 خواهان همکاری کرد.

لیس از خلع محمد علی شاه، دهخدا از طرف مردم تهران و کرمان به نمایندگی  
 مجلس برگزیده شد و به درخواست آزادی خواهان به مجلس رفت. در دوران جنگ جهانی  
 اول دهخدا در یکی از روزنامه‌های چهار مجال بختیاری منبری بود و لیس از جنگ به تهران  
 آمد و از کارهای سیاسی کنار رفت و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول شد و سرانجام در  
 هفتم اسفندماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در تهران وفات کرد و در این باب به خاک سپرده شد  
 از آثار دهخدا می‌توان کتابهای ذیل را نام برد.

۱. امثال و حکم، این کتاب در چهار جلد شامل فارسی است که در کنار آنها حکم و مصطلحات  
 و کنایات و اخبار فراوانی را نیز نقل کرده است.

۲. ترجمه غلط و الخطا در میان، تالیف منتسکو که تاکنون به چاپ نرسیده است.

۳. ترجمه روح القوانین اثر منتسکو که چاپ شده است.

۴. فرهنگ فرانسه به فارسی، شامل لغات علمی، تاریخی، ادبی، جغرافیای و طبی است که

مرحوم دهنخدا معادلهای دقیق آنها را به دست داده است و این کتاب نیز تاکنون به طبع نرسیده است .

۴ شرح حال ابوریحان بیرونی، این کتاب معارف هزاره تولد بیرونی تألیف مستشرق و به چاپ رسیده است .

۵ تعلیقات بر دیوان امیر خسرو، دهنخدا در تصحیح اشعار و توضیح بعضی نکات مطالبی بر این دیوان افزوده است .

۶ تصحیحاتی بر دیوانهای: حافظ، منوچهر فرخی، سعودی سعد سوزنی دارد .

۷ چند و چند مجموعه مقالات انتقادی دهنخدا است که در صورت ابراهیم افغانی چاپ شده است

۸ دیوان اشعار که حاوی اشعار گوناگون دهنخدا است

۹ لغت نامه که مفصلترین کتاب لغت در زبان فارسی است .

## صادق هدایت

صادق هدایت در سال ۱۲۸۱ شمسی در تهران چشم به جهان گشود. در جوانی به اروپا رفت و سالهایی در پاریس ماند و با زبان و ادب فرانسه آشنای یافت در همان سالها جوانی چند داستان نوشت که در آنها آثار سرگردانی و بی پناهی یک جوان اندیشه مند را می بینیم و در می یابیم که آنچه مردم عادی را فرسندی کند به روح صادق آراستن نمی بخشد. سپس از چندین هدایت به ایران بازگشت و در سال ۱۳۰۵ شمسی به هند رفت. در آنجا زبان پهلوی آشنای پیدا کرد در آذرماه ۱۳۲۹ با دیگر رهسپار پاریس شد و چهار ماه دیگر در آنجا بود. در یکی از روزهایی فروردین ۱۳۳۰ در پاریس شهر گازحمام خانه اش را باز کرد و بدین سان به زندگی خویش پایان داد. در زمانی که در ایران بود در بانک ملی ایران، اداره موسیقی و دانشکده هنرهای زیبا به خدمت اشتغال داشت صبح و شام او در رستورانها قهوه خانه ها گذراند بود. می هم می خورد. زندگی اش بسیار ساده بود با وجود اینکه اغلب مردمان خانواده او به همیده اعلی فائز بودند. دوران اقامت هند دو دوشیزه جوان به نگاه او آمد ولی مناسبانه ازدواج نکرد نتیجتاً به نسبت انسان یک قسم نفرت پیدا کنند و حیوان را دوست داشت یک گربه داشت ولی یک دوزگر به هم از خانه

بیرون رفت و از مدّت باز نگشت ادهم بی وفا شد یک روز گریه راهم به قتل رسانید  
از آثار صادق هدایت عبارتند از -

داستان - ۱ سنگ و گلرد ۲ سه قطره خون ۳ زنده بگور ۴ حاجی آقا  
۵ سایه روشن ۶ بوف کور -

نمایشنامه‌های هدایت -

پرودین دختر ساسان، مازیار، افسانه، آفرینش

نوشته‌های تحقیقی: - ۱ فوائد گیاه خوری ۲ انسان و حیوان ۳ ترانه‌های پیام

۴ پیام کافکا ۵ چند نکته درباره ویس و رامین ۶ خط پهلوی و الفبای صوتی -

سفرنامه: - ۱ اصفهان نصف جهان است ۲ در جاده نمناک -

ترجمه: - ۱ مرداب جسته ۲ کلاغ پیر ۳ تمسک چرخ دار

زبان فارسی میانه: - کارنامه اردشیر بابکان، گزارش گمان شکن، یادگار جاماسب

وزند و هومن یسن، سه قطره خون مجموعی و یازده داستان دارد که اغلب داستان ناگام

صفت است نتیجه درد داستان او خودکشی، غم، بیری دیده می‌شود، او همه داستان را

به زبان عمومی نوشته است اغلب کردار نسبت به طبقه متوسط است -

## سید محمد علی جمالزاده

محمد علی جمالزاده فرزند سید جمال الدین اصفهانی، واعظ نامدار روزهای انقلاب  
مشروطه خواهی است در سال ۱۲۷۴ هجری شمسی در اصفهان به دنیا آمده و در  
همان شهر تحصیلات مقدماتی و ادبی خود را گذرانده است و پس برای تحصیلات اعلی  
به پوت مهر و سپس رفت

جمالزاده بازو فرین (که باشنده سوئزرلینڈ) بود از دواغ کرد -

جمالزاده در آغاز نخستین جنگ بین المللی برلین رفت و پس از برلین بغداد بازگشت  
و در دوران انعامت کرمان روزنامه «امناخیز» انتشار کرد و جمله ای بنام «کاهوه» آغاز کرد  
در همان سالها نخستین مجموعه داستانهای کوتاه او «یکی بود یکی نبود» انتشار یافته  
و به سر زبانها افتاده است. جمالزاده هر چند سالها است که دور از ایرانیان روزگاری  
گذارند اما همیشه به یاد ایران است. یکی از نشانه های ویژه جمالزاده در میان داستان  
نویسان ایران آگاهی فراوان او از ادبیات گذشته و معارف اسلامی است. جمالزاده

جمالزاده در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در تهران متولد شد و در کودکی به وجود آورد  
با نثر ساده و خود بخوبی آشنایی در نویسندگی به وجود آورد

در ضمن داستان و ناول علاوه «یکی بود یکی نبود» تصانیف او که معروف اند

عبارت انداز ۱ دارالجماعت ۲ محمد حسین علی باهفت قسم ۳ قلش دیوان



۴ صحرای محشر ۵ راه آب ناره ۶ معصومه شیرازی ۷ تلخ و شیرین ۸ کهنه و نو  
 ۹ غنچه از خدا هیچ کس نبود ۱۰ مرکب محو ۱۱ آتش زیر خاکستر ۱۲ خندیدار برای  
 بچه‌های ریشه دار.

از تراجم جمالزاده معروف اند.

۱ داستان بشر ۲ ویلیم تل ۳ دون کارلوی ۴ خپیس ۵ آزادی و  
 حیثیت انسانی مؤلف ۶ هفت کشور ۷ داستانهای برگزیده از نویسندگان  
 خارجی ۸ دشمن ملت.

از زالیفات متفرق جمالزاده عبارتند -

۱ گنج شایگان ۲ هزار پیشه ۳ صندوقچه اسرار ۴ کشتول جمالی ۵ جلد  
 ۶ تاریخ روابط روسیه و ایران ۷ قصه قصه صبا قصص العلماء ۸ پند نامه سعدی  
 ۹ جنگ هفتاد و ملت ۱۰ سر و ته یک کرباس ۱۱ خاک آدم ۱۲ زمین و  
 آریاب و دهقان ۱۳ بانگ نای ۱۴ فیهو خانه سورات ۱۵ ایران و مردم ایران  
 ۱۶ فرهنگ لغت عامیانه -

«یکی بود یکی نبود» بهترین و زیباترین داستان است که بنا بر حکایت

«خدیجه صفت» ویرایشان و سر و سامان موسوم است همه داستان عمده ترین

و مکمل ترین است که در ردیف شاهکارهای ادبی ایران به شمار خواهد رفت .  
 «یکی بود یکی نبود» مشتمل بر شش داستان است ۱ فارسی شکر است ، رجل سیاسی ،  
 دوستی خاله غریبه ، درد دل ملا باقر علی ، بیله دنگ بیله چقندر و دیلان الدوله .  
 جهانزاده بر چند سعی کرده است که چهره های مختلف اجتماع ایران را آشکار

کرد -

## جلال آل احمد

در سال ۱۳۲۴ شمسی در مجله سخن نوشته‌ای با عنوان «زیارت» چاپ شده و بر سر زبانها افتاد نوشته زیارت مردی بود با ذهن کنج‌گاو، انگلیسی دقیق، مطالعاتی وسیع و قلمی روان در سالهای بعدی نوشته‌های داستانی، مقاله‌ها، گزارش‌ها و ترجمه‌های این نویسنده خوانندگان بسیار رفت.

نویسنده این مقاله و داستانها مردی بود بنام جلال آل احمد که در سال ۱۳۴۸ شمسی چشمش بر جهان گشود بیست و چهار ساله زندگی خود را در ترجمه و تحقیق و داستان نویسی گذارشت. و در عمر چهل و شش ازین جهان گذشت.

از نوشته‌های داستانی آل احمد کتابهای دید و باز دید، از رنجی کوی بریم، سه تار، مدیر مدرسه، زن زیادی، سرگذشت کندوها، نون و القلم، نفرین زمین، سنگی برگوری به چاپ رسیده است.

از مقاله‌های او معروف اند: غرب زدگی، هفت مقاله، سه مقاله دیگر از زیابی شتابزده، کارنامه سه ساله، رساله یک چاه دو چاه -

کتاب سفنامه بنام فی در مباحث منتشر گشت -

نثر آل احمد ساده و دلنشین است با مردم به زبان خودشان حرف می‌زند و گاه چنان به سادگی

مقصود را بیان می‌کند ابعادش مانند گفتگوهای روزانه در هم می‌شکند.

سه کتاب دیگر او گزارش مشاهدات و بررسی‌های او در زندگی روزگارش در ایران

ایران است ازین قرار است او از آن آثار نشینهای بلوک نه هلو و خارگ در پیم خلیج

فارس - آل احمد چند کتاب از نویسندگان خارجی را نیز ترجمه کرده است از جمله قمار

باز اثر فردو داستا پوسکی، بیگانه از آلبرکالو با همکاری علی اصغر خیرزاده - دستهای

آلوده از ژان پال سارتر مانده‌های زمینی از آندره ژید و چند کتاب دیگر.



68401-111

## صادق چوبک

صادق چوبک از بزرگترین و ماهرترین نویسندگان عصر رضا شاه پهلوی و معاصر ایران به شمار می رود که به توسط نوشته های خود که آن زمان جای در ادبیات فارسی نیافته بود مردم ایران و خوانندگان را از مسئله های گوناگون زندگی کم لیس پرده های پنهان وجود داشت، آگاه ساخت و در قطار نویسندگان متجدد جای سزاوار را برای خود پیدا کرد.

این مرد بزرگی ایران در سال ۱۲۹۵ هـ ش / ۱۹۱۴ م در لوشهر دنیا آمد

و تحصیلات مقدماتی خود را در دانشکده ها و کالج های ماشینری آمریکا در شپارز و تهران فراگرفت و برای کسب معاش در شرکت نفت مسندم شد دوران زندگی خود سنو ها به آمریکا، روسیه و انگلستان کرد و بلا آخره در آمریکا برای همیشگی اقامت کردند.

صادق چوبک طرفدار آزادی بوده است از عقیده و احساسات خود در باره

اصط و ارزش آزادی در داستان خود بعنوان اشک لوطی پیش مرده بود رسم داده

است - این داستان سمبولیک است که در آن نویسنده قهرمان داستان بعنوان "مخل"

را به گروه مردم رنجبر را به اسادت دیرینه و انقاعی مخل را به حکم فرمائی خود بعنوان "لوطی"

آزار می شود -

صداقی چونک اشکارا اجزاء آن زمان را برای بلا تکلیفی بی عملی و دستیابی مورد انتقاد قرار داده است. حتی توان گفت که صداقی چونک از سر تا پا نشانگر نوآوری بود نوآوری وی نه فقط به چهار چوب کردار سازی دیده می شود بلکه در سبکی که این کار کننده خودش بود و افکار و بیخام نپذیر دیده می شود. او مانند نویسندگان متجدد زمان خود توجه مردم را به مسئله اساسی و متجددی جلب نموده است و توسط رمانها نمایشنامه ها و داستانهای کوتاه که در نتیجه تجدید آوری و نوگرایی در زمینه ادبیات فارسی پدید آمده بود. افکار و جدید را مطرح نمود. صداقی چونک نخستین مجموعم یازده داستان کوتاه را تحت عنوان "خیمه شب بازی" (۱۹۳۵) بچاپ رسانیده و در میان نویسندگان پرکار و متجدد مقام ارجمندی را بدست آورد پس از آن یکی پس از دیگری سه مجموعم بعنوان انثری که گویشش مرده بود.

روز اول قبر و چراغ آخر از چاپ بیرون آمدند علاوه بر آن دو رمان معروف تنگبر و سنگ صبور چاپ کرد و آثار دیگر از ترجمه ها به کار خود گذاشت. صداقی هدایت نویسندگان آمریکایی را بسیار مطالعه کرده بود. لاکن او هیچ وقت تقلید کورکورانه از ایشان نکرد. صداقی چونک بخوبی دانست می دانست که داستانها نمایشنامه ها چگونه باید باشند و چه موضوعها.

در چه شکل باید اظهار گردد بنا برین برمان و نمایش نامه را شکل تازه ای بخشید و شیوه ای  
مخصوصی نوشت .

تجدد آوری و نوگرایی در اکثر و بیشتر آثار صادق چوبک دیده می شود تصویر  
و عکسهای گوناگون زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و روپیم گرفته سر نوشت  
مردم ایران به صورت کلی نمایان می سازد .

انعکاس شیوه روزیها، سرگردانیها، شرابگیا و فواحش و دره

شویها آنان در آثار وی دیده می شود مسئله مربوط به زندگی آنان این نوع را

در داستان خود بنام زیر چراغ قوز ترسیم کرده است .

## فصل دوم

اوضاع سیاسی اجتماعی و ادبی معاصر ایران



## اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی معاصر ایران

آری کشتی کشور با سانی ایران با امواج هولناک و طوفانهای خطرناک بسیار  
مصادف گشته است ولی شک اینست که بانام این حوادث مهم معاونت نموده  
وسی انجام نسبتاً امیدبخشی رسیده است.

او آخر قرن هجدهم و نهم دوم قرن نوزدهم میلادی از لحاظ پندآمدهای سیاسی  
جریان های بزرگ فکری و اجتماعی به عنوان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اجتماعی  
اروپا به شمار می رود. ایران در همین قرن در آغاز کار آقا محمد خان قاجار  
در سال ۱۷۸۹ انقلاب کبیری فرانس به وقوع پیوسته و ناپلئون بناپارت  
با فتوحات پیاپی خود بر صحنه سیاست مورد توجه سراسر جهان فرار گرفت و علاوه  
بر این انتشار نخستین اعلامیه کارل مارکس در مورد حزب کمونیست در سال -

۱۲۴۵ هجری برابر با ۱۸۴۸ مصادف با یک ساله لیسن از سلطنت ناصرالدین شاه  
قاجار هملک اروپائی را به هیجان تر آورد و در نتیجه بیداری سیاسی و اجتماعی  
و ایجاد افکار آزادی خواهی و تجدید طلبی، ملک اروپائی بر علیه نیروهای استبداد  
به مبارزه پرداخته و مواج با موفقیت چشمگیر گردید.

لیسن از اشراف خاندان صفوی که فریب به دولیت و حمله ساله جو ایران حکومت  
کردند.

۱ از صبا تا پنجم مجتهد آرینه پور. جلد اول تهران شرکت سهامی کتابهای

نادر شاه افشار ولیست از او کریم خان زند فرما فرمائی ایران شدند. آنگاه آغامحمد خان قاجار ولیست از او جنگها و مبارزات و قتل عام های و هتیمنا که توانست دوباره دستگاه دیوانسالاری مرکزی را منجم سازد و سر تا سر زمین ایران را زیر لوای حکومت مرکزی در آورد و به سال ۱۲۱۰ هجری قمری با انعقاد پیمان نایب و جلوس بر تخت بازشی استقرار خاندان قاجار را رسمیت بخشید.

از اتفاقات مهم دوره پادشاهی آغامحمد خان قاجار دولت سرکشی او به بریتانیا و گسودن شهر تقلیس است که هدف از نظر از اهمیت تاریخی، از اهمیت نمائشی نیز برخوردار است. زیرا که اولین برخورد تاریخی ایرانیان با نمایندگان فرنگستان در عهد لشکرکشی به گرجستان اتفاق می افتد و بدین ترتیب نماینده ایران با نماینده تقلیس بیچونیدی خونبار می بندد. آغامحمد خان در سال ۱۲۱۱ هجری است که در کنار قلم شوشی قفقاز به دست کسان کشته می شود و فتح علی شاه در شوال ۱۲۱۲ هجری بر تخت سلطنت جلوس می کند.

ملت ایران این دگرگونی های سیاسی و اجتماعی ملک اروپائی را نادیده گرفته و در نتیجه مورد تجاوز روسیه تزاری و بریتانیا قرار گرفت. چون ایران از لحاظ موقعیت جغرافیای خود جهت ورود به کشورهای آسیایه و نیز در هند و جلوگیری از نفوذ گسترده ای ناپلئون بناپارت برای تقلیس ارزش حیاتی داشت و به عنوان

در وازه خاور و باختر محسوب می شود بنا بر این انگلیس، روسیه، نزاری و فرانسه نظر  
 به گسترش نفوذ خود در این منطقه هم توجهات خود را بسوی ایران جلب نمودند  
 و این طور ایران مورد رقابت هر سه کشور پادشاه قرار گرفت. رقابت انگلیس روسیه  
 و فرانسه بر سر تحصیل امتیازات و سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی خود در ایران  
 به قدرتی شدت گرفت که هیئت های سیاسی انگلیسی و فرانسه لیت سر هم این چنین  
 بسوی همسران راه افتادند که یکی زفته دیگری رسید در نتیجه دربار فتح علی شاه  
 مرکز بزرگ و مهم ترین دسیسه های این سه نیرو استعمارگر گردید.

پیشامد جنگ های ایران و روسیه در زمان فتح علی شاه قاجار در دو دوره یکی از سال  
 ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۳ و دیگر از سال ۱۸۲۸ تا ۱۸۲۸ که منجر به انعقاد دو معاهده  
 گلستان و ترکمن چای شد لطمه بزرگی بر حیثیت و حاکمیت ایران زد و باعث  
 شد که ایران تحت استعمار و سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی روسیه  
 قرار بگیرد. معاهده ترکمن چای است که منجر به پایان استقلال سیاسی  
 و اقتصادی و ملی و قضای ایران گردید. شکست های اسف انگیز ایران  
 در این دو جنگ و سیما فضای فحشی اهانت آمیز بیسی از هر چیز غیرت  
 فکر تجرد لیلی را فراهم آورد و ثوب طبع روشنفکر ایران را بسوی عقب  
 ماندگی و مانع از استقلال و آزادی و سازماندهی کشور جلب نمود و باعث

عباس مرزا که همواره در صدد پیشرفت و اصلاح در امور نظامی و اداری ایران بود. گروهی از دانشجویان ایرانی سرشار از احساسات میهن دوستی و ملی گرایی و جهت فرارگشتن علوم و فنون جدید به بسیاری کشورهای اروپائی ندرند نتیجه ایران در معرض دار و بسته علوم و تمدن های گوناگون کشورهای غرب فرارگشت عباس مرزانه تنها در امور نظامی دست اصلاحاتی زد بلك در بهبود وضع اقتصاد و اجتماعی و اداری کشور هم و همچنین وزیر حربته عباس مرزا ابوالقاسم قائم مقام مروج سبک جدید و آسان در نشر و رساله سال ۱۸۱۲ م در تبریز اولسین مطبعه سر بی تا سبک نمود.

لیس از درگذشت فتح علی شاه در سفر اصفهان، محمد شاه در سال ۱۲۵۰ در تبریز به سلطنت می رسد و در طهران تا جگنداری می کند. در دوران کفایت زمانداری این پادشاه، آشوب های بسیار در داخل کشور رخ می دهد و دستگاه دیوانسالاری به سبب رقابت بیش از حد دچار هرج و مرج و فساد می شود این فتنه و فساد بیشتر در اثر گشته شدن " مرزا ابوالقاسم قائم مقام" به فرمان محمد شاه در سال ۱۲۵۱ هجری و به صدارت رسیدن ( حاج میرزا آقای ) ایجاد می شود کم زبر نفوذی چون و چیرای بیگانگان در ایران صدارت می کرد.

به دکتر محمد اسماعیل رضوانی. القدر بقدری ایران در دوران فتح علی شاه مجله راهنمای کتاب شماره اول

محمد شاه در سال ۱۲۶۳ هـ قی بر اثر بیماری درگذشت و ناصرالدین شاه پسر  
 هفده ساله اش در همان سال تاج شاهی را به پیری گذارد حکومت ناصرالدین شاه  
 نزدیک به نیم قرن طول می کشد و در همین دوره است که تپانر و تپانر نولسی  
 در ایران رواج پیدا می کند. اما صرف نظر از این مسئله او اصطلاحات و لغو  
 آورده های دیگر، حکومت استبدادی و فاسد ناصرالدین شاه به مدت پنجاه سال  
 در خواب فوشت فرگوشت فرو می رود و هنگامی که بزرگترین انقلاب های صنعتی  
 و اجتماعی در کشورهای اروپائی رخ می دهد ناصرالدین شاه و دربارش دل به این  
 خوش می بردند که تحت نفوذ صلح آمیز دول استعماری و بادادن انواع و اقسام  
 امتیازات ملی و در مقابل گرفتن وام های هنگفت برای مخارج عیاشیها و  
 به بیگاری کشیدن ملت به چیزی جز مسافرت به فرنگستان و شکار و  
 تنه پوری و هواسرانی فکر نکرد

از اتفاقات مهم تاریخی و فرهنگی دوران سلطنت ناصرالدین شاه ،  
 کتابت مدرس دارالفنون به سال ۱۲۶۸ هـ قی است که انگیزه و امکانات  
 لازم برای تخریب ترجمه و اقتباس نمایشنامه را در ایران فراهم می کند  
 از سوی دیگر اولین نطفه های نمائش اجرا می بیند در تالار مدرس دارالفنون

و با همکاری معلمان فرنگی و با دستگیری تنی چند از ایرانیان بسته می شود.

کشته شدن "مزاقلی خان امیر اکبر" سرکوب نهضت با بیان در سال ۱۲۶۸ هـ ق  
 انزام محصلین لپار بفرنگت برای آشنائی و کسب علم و دانش و هنرهای جدید ایجاد  
 و انتشار تعداد بسیاری روزنامه از جمله روزنامه اختر در سال ۱۲۹۲ هـ ق در استانبول  
 و روزنامه قانون در سال ۱۳۰۷ در لندن از دیگر اتفاقات اجتماعی و فرهنگی بودند  
 که سبب طغیان افکار و پایه زنجیری نهضت های تجدد خواهانه در زمینه مسائل  
 اجتماعی و ادبی در این دوره شدند.

تسلط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دول استعماری بر ایران  
 از طرفی هم سبب ایجاد روابط نامناسبی شد که در رشد و نمو افکار آزادخواهی  
 سهم اساسی داشته اند و همین افکار آزادی خواهی و تحولات اجتماعی حاصل  
 از این دوره بود که زمینه را برای انقلاب بورژوازی و اصلاحات و طم آماد  
 ساخت.

در دور حکومت قاجارها، ایران کشوری نیمه استعماری بود زیرا که  
 روسیه و متخاصم استعماری - انگلیس و روسیه بدون آنکه کشور را به دو قسمت  
 جزا تقسیم کند و اداره آن را خود را تأسی بر عهده گیرند، آن را به حوزه های

نفوذ تفهیم کرده و برای ثبت نفوذ خود ائمه در حال رقابت با یکدیگر بودند. امام گاه جریانی قصد داشت کشور را مستقل از این دو نیرو اداره کند فوراً لیس پرده اتحادشان را برقراری ساختند.

وضعیت پنجم استعماری ایران بسیاری از نهادهای حکومتی و رجال را از لحاظ سیاسی زیر نفوذ قرار می داد و از لحاظ اقتصادی هم سر آغاز پاشیدگی بازارهای کوچک محلی رشد تجارت خارجی تخصصی در تولید و صدور مواد خام، زوال صنایع دستی، اعتماد به مصرف مصنوعات فرنگی و به طور کلی وابستگی اقتصادی به قدرتهای استعماری را سبب می گردید. از جمله ویژگیها وضعیت پنجم استعماری که سبب عدم رشد سرمایه داری و مرد مالاری در این دوره در ایران گردید. می توان از استبداد داخلی و استعماری خارجی، ناکامیهای جنبش های سیاسی و ملی مخصوص جنبش های بازارپایان، رشد و انشاع دوگانگی فرصتجوی میان طبقات متجدد و طبقات متفهم نام برد. وضعیت پنجم استعماری ایران در زمان قاجارها همچنین سبب ایجاد فساد عظیمی در دستگاه دیوانسالار مملکت شد که در واقع زمینه اساسی را برای ناپاکنامه نویسی این دوره که مبنی بر انتقاد و هجو این دستگاه بود فراهم می ساخت.

بعد از ناصرالدین شاه پدرش مظفرالدین شاه به تخت نشست او نه تنها پیر

و جنزۀ پیر را نداشت، بلکه مردی ساده لوح و ضعیف النفس و متلون و از اطلاعات

سیاسی و تاریخی که لازمه کشورداری است به کلی بی بهره بود. خلوقیان و طرفیاد بی

لیست فطرت و فاسد بودند و صدر اعظم، امین السلطان، که به قول اعتماد السلطنه -

« بلادی بود که به جان دولت و ملت افتاد »<sup>۳</sup> علناً از نظریه کائنات تبعیت می کرد

و بدین قرار [حکومت علانیه حراج مناصب و العتاب و مناسبت و فراسی به دست گهنة

فروشان داخله و خارج به معرفت بیع می رسید] <sup>۴</sup> ظلم و جور کشی در همه جا ادامه

داشت و در دوران کوتاه پادشاهی او نیز بقیه منابع حیاتی کشور در مقابل

دریافت وام به بیگانگان واگذار شد.

ایران در فخر انقلاب مشروطیت یک کشور زراعتی کاملاً

آسیای عقب مانده بود. در بهات در میان عشایر چادر نشین وضع خانجانی

و پیر سالاری همچنان ادامه داشت و در ایالت جنوب شرقی مانند کرمان و بلوچستان

صنوبر آوار غلامی و بردگی به حد کافی موجود بود.

اصول اداره سیاسی کشور به فرمانروائی مطلق و غیر محدود

« ظل اش »<sup>۵</sup> بر « رعیت »<sup>۶</sup> نهاده شده بود. مردم در سبجه قهر و استبداد شاه

<sup>۳</sup> اعتماد السلطنه - خواننامه

<sup>۴</sup> ناظم الاسد - تاریخ سیداری ایران



و وزراء و درز پر فشار مامورین حکام و خوانین می نالیدند. کسانی که در محل خود اسپری مستقل محسوب می شدند، تا زمانی که از طرف شاه معزول نشده بودند با کمال قدرت بر جان و مال و ناموس مردم تسلط داشتند و اگر جاهی در گوشه ای از کشور اسپری یا شاهزاده ای بر ضد حکومت مرکزی سر بلند می کرد، چندان مورد اعتنا نبود و فوراً سرکوب می شد.

روحانیان، که خودداری ضیاء و معارف راوان شده بود. در امر دینی دخالت می کردند فقر و فاقه و بدبختی و بیچارگی و سکونت مطلق کشور را فراموش کرده بود. خشکسالی و قحطی و گرسنگی، و با و طاعون و دیگر بیماریها و آبریزاگاهی گشت و کشتار می کرد. با سنگین مالدالتحای و عوارض و رسوم و خدشانه و پیشکش و تعارف بر دوش ملت افتاده بود. روحانیان و پیشه وران تهر لیسے گروه گروه به روسیه و ترکیه خصوصاً برای کار کردن در معادن نفت فقط از به باکومی رفتند در چنین احوالی محمد علی مرزا ولیعهد که بالینت ناوان هم به جای و خوشگذاری پدران خود را به صید، در تهر نیز تحت و تربیت معلم روسی خود، شاپتال یکی از اعضای وزارت امور خارجه روسیه، به سر می برد.

حقیقت آنکه مظفرالدین شاه با همه بیچارگی و درماندگی مر با کمال

و کم آزاری بود و خود از تبه دل مشروط را میخواست و آرزو مند استغفار آن بود اگر چه  
نه به کنه آن واقف بود نه تمهید اجرای آن را داشت. هر چه بود مشروط را دار و از این جهت  
نام خود را در تاریخ به نیکی مخلص ساخت. بعد از مظفر الدین شاه پسر محمد علی شاه  
بر تخت نشست. نسبت به پادشاه جدید سوطن مردم زیاد بود و هر روز آثار  
نگرانی و جوشش نمایان می گشت. و کلامی از برانجان محمد علی شاه را از تبریز  
می شناختند و با او اطمینان نداشتند. انقلاب و هیجان و کشمکش ملت  
و مجلس با دربار و عناصر استبداد در تهران و ولایتهای ادامه داشت. علما و روحانیان  
تکلیف گاه مردم بودند. انجمنهای ایالتی و ولایتهای تهران و شهرهای بی دردی  
تشکیل می شد و هر روز نیز اید می یافت هر روز روزنامه ای بیداری شروعی غالب  
انها مردم را به تند روی و آشوب تشویق می کردند مجلس جوان و پیر آرزوی  
حصول بود و دولت بر خود مغرور و اطرافیان بیکار و نا آشنا و انواع تحریک  
از طرفین در کار مجلسه اول، با اینکه پیش از مجلس قانون آزاری ایران بود  
و قوانین نسبتاً خوبی گذارند، چون در میان اعضای آن کسانی از روحانیان  
و بازرگانان وارد شده و به طور کلی نمایندگان اطلاع کافی از سیاست و اوضاع  
دنیا نداشتند و به ارزش و اهمیت انقلاب و نتایج آن درستی چه نبرده بودند.

چنان می‌پذیرد که انقلاب و طغیان خود را بیان داده است این بود که تدریج در مبارزه سستی کردند و محمد علی شاه با استفاده از این سستی و احوال به عوس بر انداختن مشروط افکار.

از اواخر سال ۱۳۲۴ هـ ق ارتجاع اولین آثار مخالفت را نشان داد و شاه

اشکار به گرد آوری و تجسین نیرو برداشت. اتابک، امین السلطان را، که یک ربع قرن

برای آن حکومت رانده و بعد از مشروطیت معزول شده بود اکنون در اروپای زیست، به ایران

خاست و به صدارت نشاند و از امضای قانون اساسی سر باز زد در آن زمان که حقوق

مردم تبریز بازار را بستند و در آنجنگ و تلگرافخانه گرد آمدند و از بی‌اعتنای دولت

در امر مشروطیت شکایت کردند. چند روز بعد دستخط صریح صادر شد که شاه مشروطیت را

قبول و مقتضیات آن عمل خواهد کرد و بدین ترتیب آراشی حاصل گردید این همه

شاه و اتابک همچنان با مشروطیت و آزادخواهان دشمنی می‌ورزیدند و مخالفت

خود را پنهان نمی‌داشتند. روز شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هـ ق پاسی از شب

گذشته، هنگامی که اتابک به اتفاق بهمان از مجلس بیرون می‌آمد جوانی به نام

عباس آقا از مردم آذربایجان با ششلولک سه تیر بر او انداخته که هر سه تیر کارگر

افتاد و جوان پتیری پتیر خورد و در دم جان سپرد.

در شعبان منتهی قانون اساسی که کمیته سه قسمتی اصول قوانین

مشروطیت بود در آن یک اصل قانون اضافه شده و باین اصول اساس مشروطیت تحکیم و حقوق

ملت و سلطنت و قوای سه گانه مملکتی تفکیک و اصول مربوط به عدلیه و مالیه تعیین گردید.

لیکن در اساس مشروطیت ایران محصل بیداری افکار و رشد بود.

واری ایرانی بود و به دست راد مردان و دسپران از جان گذشته ای تحصیل شد. اکثر

مبارزان مشروطه، ریسان، شرفمند و باعزیده و پاکدامنی بودند که می خواستند از وضع

مساعده تاریخ برای نجات ملت خود استفاده کنند. کلمات وطن، آزادی، برادری

و برابری و رود زبان انقلابیون بود.

محمد علی شاه مشروطیت را مخالفت کرد و شمر را به حالات نظامی در آورد ولی

از بیخ بنو به کار برداشت. با امداد قراقها به فرماندهی سرهنگ ایاض مجلس و مسجد

سیپالار را محاطه و محلوله باران کردند کشتکش در میان شاه و مشروطه خواهان

همچنان ادامه داشت و بالا فر شاه به حکم مجلس عالی از سلطنت خلع شد ولی خبر

سائس احمد علی رضاخان عضو الملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت

او برگزیده شد.

به دنبال دعوت از مشتینای آمریکای اهدیه شامل ۱۲ نفر به

دبستان دکتور میلسپو وارد ایران شد و به مدت پنج سال به تنظیم و اداره امور مالی

ایران برداشته. هیئت مزبور که میخواست آمریکا بآن را در میان ملک محرم جهان مردی  
 لائوسست و علاقمند به پیشرفت کشورهای ضعیف جلوه دهد فرمینه را برای نفوذ استعماری  
 این کشور آماده کند هم سعی خود را برای بهبود وضع مالی ایران به کار گرفت و تصوری نسبی  
 در امور اقتصادی ایران به وجود آورد ولی روسیه این کارها را مخالفت کرد و علاوه بر این  
 بر پیشگامی باران کرد و چند از آزادخواهی را به قتل رسانید.

در دوران حکومت شاه اوضاع داخلی ایران ختم شده بود. در کتبر

۱۹۱۷م انقلاب روسیه به ثمر رسید از آنجا که روسها سرگرم مشکلات داخلی و سرکوبی و معارضه

داخلی روسیه بودند سیاست استعماری این کشور در ایران برای مدتی متوقف شد.

روسیها بر شماری ایران و انگلیسیها جنوبی را تخلیه کردند و به تنظیم امور داخلی

خود پرداختند. انگلیسیها که ایران را از وجود رقیب دیرینه خالی میدیدند به سرعت

نیروهای خود را عازم شمال ایران کردند و این قسمت را نیز تحت نفوذ خود در آوردند.

چند ماه از تاجگذاری سلطان احمد شاه نگذشته بود که جنگ بزرگ

اروپا، که از مدتها پیش زمینه آن فراهم میگردید، درگیر شد. این جنگ که آن هم بدبختی

وسیه روزگاری برای دنیا و ایران داشت. به مردم ایران که از مظالم همسایگان نه تنگ

آمده بودند، نوبه نجات داد شکست روسیه در جنگ و پس از آن انقلاب کتبر

۱۹۱۷ کشور ایران را که در نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ تجزیه شده بود. از جنگ استعماری رهای بخشید.

لیس از سقوط و خلع دوران قاجاریه بعسیده پارلمان (مجلس شورای

ملی ایران) پیاس خدین و صمیمیت رضاخان را در سال ۱۳۱۵ بسمت نیابت سلطنت

در ریاست حکومت موفق برگزیده و در همان سال مجلس مؤسسان با اتفاق آراء منظم

را شاهنشاه ایران اعلام نمودند. عصر رضاخان دوره پیشرفته به شمار می رود -

تحول وسیعی در اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران پدید آمد. رضاخان با دیکتاتوری و قلدگی

کشور را به صورت گورستانی در آورد چنانچه هیچ کس حرکت و صدای بر نمی خاست.

در عهد او همه سرگرمیها بند شدند. شخصی که علیه حکومت صدالیند کرد او سزا یافت.

ولی رضاخان باین سنجش اقداماتی در زمینه پیشرفتهای ملکه کارهای نمای انجام

داد. این اقداماتی عبارت بودند از: ایجاد ارتش منظم، احداث خط آهن، اسکان

عشایر، متحد الشکل کردن لباس و کشف حجاب، قرارداد ۱۹۳۳، پلیس و ناسیس

مدارس، خرید و فروش زمین، ایجاد ساختمان، راه آهن بند، خطوط تلگراف و تلفن

و ناسیس فرودگاه و الینگاه رادپور اینز به دست آورد ناسیس وزارت خانه و ناسیس

نیکه گوپا در سرزمین ایران پیشرفت کرد.

دوران جنگ جهانی دوم بنا بر سیاسی و جوهان ایران با آلمان بود.

انگلستان در وسیع برابری عمل کرد و پادشاه مجبوراً کشور را ترک کرد بعد از آن مراسم  
 تاجگذاری پادشاه شهنشاه رضا شاه پهلوی با احتیاط و فوج انگلیزترین طری در همان  
 سال بعمل آمد. لیست از تاج پوشی و بدست گرفتن امور سلطنتی و قدم نهادن  
 در میدان اصلاحات ارتش را شروع و بمتحد الشکل ساختن نیروی ارتش با اسلحه  
 جدید موفق شدند فقط نتیجه اصلاحات امنیت سرتاسری در کشور ایران مستقر گردید  
 بعلاوه احتیاجات و تدابیری برای تأمین استقلال سیاسی و ارتش ایران در صورت  
 صدور هر پیش آمدی بعمل آوردند قبل دست ملکه الطوائف و انوار از کشور -  
 شاهنشاهی خاتم داد. عتسایری که صوره بسبب اضطراب امنیت بودند خلع سلاح نمود  
 و برای فرزندان آنان دلجان های جدید و کشاورزی ایجاد فرمودند. دوائر مختلف دولت  
 را مخصوصاً وزارت خانه های دادگستری، دارای فرهنگیه و معاونان را ایجاد فرمودند  
 محتملترین موضوع که مورد توجه شاهنشاه پهلوی بزرگ بود ایجاد صنایع برای درآمد  
 خزانه دولت بود که در آنکه مدتی موفق با اجرای نقشه اصلاحات گردید. نگاه های  
 برق ناسیسی و اصلاحات تازه برای آب و امور بهداشتی در تمام مراکز استانها  
 مقرر گردید بیمارستان جدید و زایشگاه پر در نگاه دلجان ها، دبیرستانها،  
 رانتهما، دانشگاه، دانشکده ها، در تمام شهرستان ایران ناسیسی گردید

بعلاوه کارخانه جات آهن، ابریشم، شیشه ابریش و غیره ایجاد فرموده اند. لیکن مهمترین موفقیت او کامیابی در ساختن راه آهن سراسری ایران است. این اقدام در حقیقت مظهر همت و افتخار ملی است او برای رسانیدن ایران بقافله اروپا فرستادن محصلین را به اروپا صادر فرمود و تمام شهرستان شعبه بانک ملی گشت. دارگتری و کشاورزی وزارت دارگاہ های جدید پدید آمد. زن حق رأی دهی یافت. دستها و آب گشایش یافت.

رضا شاه پهلوی در چند سال اول زمامداری خود به اصلاح امور کشور پرداخته و اقداماتی که برای ترقی و پیشرفت مسیح لازم بود. ولی آن پادشاه به روز زمان هر چه قدرتش بیشتر شد از راه صحیح بیشتر منحرف شد و لجاجت بی قاعدهی دست برد و ملت ایران ناراضی شد. سوار نتیجه سرکوبی بود و نیز این پادشاه زندگانی فردی هم مداخلت کرد. بر اسیحا از اقدامات بالا ایران از تفضیل و کدن غلبه آشناسد و در اجتماع ایرانی رواج یافتند

سیاسی و اجتماعی انقلاب ایران باعث شد که ادبیات ایران زیر

تحول عظیمی برود و ادبیات نسبت به آن نیز تا حدی دگرگون گردید، نوم روشنفکران

لبسوی ادبیات خارجی مخصوص ادبیات اروپایی جلب شد.



نظم و نشر فارسی که بیشتر مربوط به دربار بود، مابین مردم عامه را مرفی نظر کرده بود در دوره  
 مشروطیت چنان تحول یافت که هر چه نوشته یا گفته شده در باره مردم عامه بنفع آنان  
 و مخاطران آن بود. چاپ و چاپخانه به وجود آمدند و هزارها کتابهای نشر و نظم قدیم و  
 جدید منتشر یافتند، روزنامه و روزنامه نویسی در ایران پدید آمد. در میان ایرانیان  
 نیکه قسم بیداری پیدا شد و هزارها کتابچه <sup>نابینا</sup> دیگر به زبان فارسی ترجمه شدند -  
 گسائش مدرسه بعلمه آمد. مردمان ایران از برخی دیگر علم و فنون آشناسند  
 روابط آن کشور دیگر بهتر شد مافوق کشورهای اروپای کردند. تاجران، محصلان،  
 معلمان، سفیر و دیگران به پیشم و آن کشورهای اروپای رفتند و از کشورهای همان  
 مردمان اروپائی هم به ایران آمدند که تاثیر فوق العاده بر ادبیات فارسی داشت بعد  
 از مشروطیت هم جنبه های زندگی ایرانیان مبدل گردید. با ادب کلاسیکی جدید <sup>الوطن</sup>  
 پیدا شد و نویسندگان به بیداری جامع ایران و رهای آن از بند و ظلم و استبداد  
 گوشیدند -

بر اثر خورده اقتصادی و فرهنگی در اوایل قرن بیستم میلادی دسته از نویسندگان

و گویندگان و مترجمان ایران بسوی غرب متوجه شدند و نویسندگان نامور اروپای

را بزبان فارسی برگردانندگان حق و عدالت، زن، آزار، وطن موضوع

نویسندگان ایران بودند و وسیله اشعار صبا، نشاط، وصال فروغی، مآذنی، صفا، ادیب نیشابوری، بهار، لاهوتی، پروین، نیما، ایرج، نظام وفا و برخی دیگر شعراء نقش اسنادان حقیقی روزگاران گذشته را ایفا کنند جزئیات نمونه های تقلیدی و قشعی به یادگار نماند چیزی که گفتند و نوشتند معمولی بود.

در ردیف روزنامه نگاری نوع جدیدی از ادبیات به وجود آمد و آن طنز نویسی بود که معایب و مفاسد رژیم گذشته و اعمال عمال آن را به باد استهزای گرفت.

طنز نویسی در اغلب نظم و نثر دیده می شود. تاریخ نویسی نوشته بود. تاریخ بیداری ایرانیان کتابی است در ذکر حوادث مربوط به اواخر دوران استبداد و آغاز مشروطیت ایران.

داستانهای قدیم که غالباً به زبان شعر نوشته شده بود و اغلب منظومهای حماسی باعاشقانه که بهترین نمونه آنها داستانهای شاهنامه فردوسی و سی و هفتمین فی الدین اسعد گرگانی و شاهکارهای نظامی است. قصه ها و حکایات حماسی نیز در زبان فارسی وجود دارد مانند اسکندرنامه که افسانه است از زندگی و سفرهای فاتح مقدونی با تعدادی مطالب تاریخی و سمک عیار و بعدها در عهد صفوی محمد علی میرزا از اسکندرنامه و طولی نامه و روزنامه نشر شیرین و ساد و روانی است اما ایرانی داستان قبل از این حوادث و وقایع زندگی خود گویند.

باکسان مدیعی را که در زمان او با روزگاری نزدیک به زمان او زندگی می کرده اند -  
 موضوع خود نه قرار داده است. رمان نویسی در زبان فارسی اولین بار دیده می شود در ماههای  
 آموزش، تاریخی و اجتماعی به وجود آمد. صنعتی زاره، خسروی دوست آبادی،  
 خلیلی، بدیعی، حجازی در رمان نویسی مقام فوق العاده دارند. ولی رمان نویسی  
 در ایران رونق و رواج زیاد نیافت و مؤلفین ایرانی مدتها نتوانستند در این رشته ادبی  
 آثار بدیعی به وجود آورند. اما با ورود زبان به خاطر کمبود وقت مردم داستان نگاه  
 را بر رمان نویسی ترجیح دارد. نخستین کسی از فارسی زبان که دست به این کار  
 زد و چند نمونه خوب پدید آورد، جمال زاره بود "مجموعه بگی بود بگی نبود" نوشته  
 نویسنده است چهره های مختلف اجتماع ایران را از سپاهی ستمگر، ملافی شیاد  
 فرهنگ رفته بی هنر، دلوانی دزد و دغله، و مردم کوی و بزرگ که خود از نزدیک  
 آنها را می شناسد و با عمق مقاصد و نخبها و شادیهایی آنان آشناست، چنانکه  
 هستند و با زبانی که سخن می گویند، به خوانندگان بشناساند و گوشه های از اخلاق  
 و عادات انسان را ارائه دهد بعد از جانزاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک  
 علی دشتی، حجازی، جلال آل احمد این فن را به بلند پایگی رسانیدند. در یادداشتهای  
 این استادان دلاک، عقب ماندگی و امتیازات طبقاتی جامع ایرانی و صفات و خصایص

در جنبه محیطی پرورش می‌یابد و صفه شده است و اغلب داستانها جنبه سیاسی و انتقادی داشته - نمایشنامه نویسی که در زمانه قدیم بود ولی این قدر نبود که امروزه در این دوره یکی بعد دیگری نمایشنامه در زبان فارسی نوشته شده است که اغلب انتقادی و کمپوزی است -

آلریک نگاه بکلی در سراسر دوره از صفوی تا رضا شاه پهلوی

دارم، معلوم می‌شود که این دوره برای ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی خیلی مهم

است. این دوره است که در هم جنبه کشور ایران پیشرفت کرد و تغییر و تحول

دید می‌شود -

تغییر و تحول پدید آمده طبعی و تاریخی است که باعث پیشرفت فرهنگ

و تمدن بشری باشد، رابطه انسان با عوامل محیط سیاسی و اجتماعی ناگسسته است

بنابراین وضع حکومت زندگی اقتصادی مردم - کمبود تسهیلات لازم عدم رضایت،

طبقات جامع اختلاف ظلم و استبداد مزج و مزج سیاسی و اجتماعی، آشنائی

با علوم و فنون جدید و آریان نوجوی را می‌شود به عنوان انگیزه، این پدیده

محسوب نمود - انسان صوره جهت پیشرفت مادی و معنوی خود درست

اندر کار داشته و در این راه به رای طبع آزادی وی هیچ نوع مانعی نخواهد

ناپذیر است - وقتی که انسان خود را در برابر نیروهای متجاوز و استعمارگری چاره  
 می بیند و جان و می شد پراشکان می خورد و حسین احساس می چادگه عقب  
 ماندگی و ظلم و استبداد است که او را وادار می کند تا بر علیه شان به مبارزه  
 بپردازد - در نتیجه این دگرپی نیروهای متجاوز و مستمک مغلوب و طبقه دستم  
 دیره به پیروزی می رسد -

## دارالفنون

دارالفنون نخستین آموزشگاه عالی به سبب اروپا از قبیل پلی تکنیک بود که در اوایل سال ۱۲۶۶ هـ ق تاسیس یافت که هدف آن دانش و فرهنگ مغرب زمین به نفع جوان بود. تاسیس چنین مؤسسه احتیاج کشور بوده که مردم ایرانیان از مدتها پیش احساس کرده بودند. عباس میرزا نایب السلطنه ایران، که در اخذ تمدن و علوم جدید پیش قدم بود، به شهادت گریباپدوف سفیر روسیه در دربار فتحعلی شاه، در صدر تاسیس دارالفنون برآمد اما به علی کردن نما در وقت این فکله به نام نای میرزاقمی خان امیر کبیر زده شده چونکه آنوقت ایران با علوم جدید نا آشنا بود و لیس ملک اروپا گرفت و بر فی معلمین اروپای جهت تدریس و تعلیم در این مدرسه به آمد و یکی از مشرعیین زبردست بنام "جان داود" که اولین مترجم دولت ایران محسوب می شود. به ایران آمد محارث دارالفنون پنجم تمام بود که جان داود با هفت تن معلم اتریشی وارد تهران گردید. روز یکشنبه پنجم ربیع الاول سال ۱۲۶۸ هـ ق جشن افتتاح اولین مدرسه عالی به نام دارالفنون برپا گشت و تقریباً یکصد نفر از اولاد شاهزادگان که برای تحصیل در مدرسه دارالفنون منتخب شده بودند به توسط میرزا محمد علی خان، وزیر دول خارج، شرف اندوز خانگیاری مبارک شده و بعد از آن

۱. شموز به تاریخ فوریه ۱۸۲۵ [کلیات آثار گریباپدوف] نگینار، ۱۹۴۵، ص. ۴۵۳ - ۴۵۲

به مدرس مبارکه آمده به مهمت شروع به تحصیل کردند و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده  
 نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام و هندسه و طب و جراحی و علم دوا سازی و علم معدن بود.  
 در بیست سال اول تاسیس دارالفنون، از معلمین و دستاران  
 قدیمی اروپایی این اشخاص در دارالفنون دیده می شدند معروفترین معلمین که جوانان  
 ایرانی استفاده کرده بودند عبارتند از انداز کشیش و دکتر پلاک از اولین معلمین  
 که به ایران آمدند که اولی معلم توپخانه و ریاضی بود و دومی علوم پزشکی را تعلیم داد -  
 پلاک زبان فارسی را فراگرفته و کتاب عالی و نفیسی به زبان آلمانی درباره مسافرت  
 خود به ایران تألیف کرد. استانیلاس باروسکی [استاد جغرافیا و زبان فارسی]، آلساندر  
 بوهرلر [هندسی]، البرت لومر [موزیک و نظامی] و برخی دیگرها معلمین اروپایی در دارالفنون  
 درس و تدریس داد. در میان معلمین ملکم خان که به عنوان جدیدالاسلام به معارف  
 رسید، شهرتی دارد.

در دارالفنون ابتدا طب و ریاضی و نظام و زبانهای خارجه تدریس  
 می شد. بعدها کلاسکی هم برای مقدمات فارسی و عربی دایر گردید و رفتن و رفتن رشته  
 ادبیات پدید آمد ایرانیان کتابهای اروپایی را به فارسی برگردانند و هم این کتابها در  
 دستگاه چاپ سنگی، که در خود دارالفنون برای صحت منظور چاپ شده بود -

A. Bohler      Stanislas Borovsky      Polak      K. V. 212      1

A. Lemaire      ۵

چاپ و در دسترس دانش آموزان نگذارده شد. مترجمین ایرانی ابتدا یک سلسله کتب تاریخی از جمله تالیفات تاریخی و شریمانند "تاریخ لطیف کبیر و شاد دل دوازدهم" و اسکندر مقدونی و سپس از آن تاریخ ایران تالیف سر جان مکمل انگلیسی را از روی ترجمه فرانسوی آن به فارسی ترجمه کردند و بعداً به ترجمه و نقل رمانهای تاریخی و علمی پرداختند. ترجمه نهایشنامه های موسسین در پیشرفت نمایش و نهایشنامه لولپسی، که تا آن روز تقریباً در ایران بیسابقه و نشناخته بود، تأثیر بزرگ داشت.

محیط دارالفنون در اسر ایران یک قسم بیداری پیدا کرد ایران بایست رفت علم فنون جدید اروپای، در راه اصلاحات قدم برداشت و طوطی نکشید که روشنفکران اطبا و علمای ریاضی و طبیعی در تهران بیدار شدند و با ترجمه و تالیف کتب بر طبق روش علمی جدید به آغاز کردن نهضتی در فرهنگ ایران ملوک کردند.

۱ بعضی از این کتابها را نام بریم - از دکتربلادک "شرح بدن انسان"، ترجمه محمد حسین افشار ۱۲۷۵ هـ ق، زبده الحکمه ترجمه علینقی حکیم المعالی ۱۲۷۲ هـ ق، "جلاء العیون"، در بحالجات چشم ۱۲۷۳ هـ ق - در علاج الاسقام، در جرای بارسانه کمالی در یک جلد ترجمه محمد حسین افشار ۱۲۷۳ هـ ق، از کرشین "علم هند" و علم احاط ترجمه مزارکی مازندرانی ۱۲۲۴ هـ ق و غیر از اینها.



## سهم روزنامه‌ها

ایران پیش از مشروطیت بطریق استبدادی اداره می‌شد آزادی خواهان و مبارزان که بیشتر روشنفکران بودند در برابر حکومت استبدادی ایستادگی کردند و برای بدست آوردن آزادی و پیاده کردن مشروطیت در ایران مبارزه کردند اغلب این آزادخواهان و شاعران معروف بودند و قلم خود را بطور آلت مبارزه علیه دولت استبدادی بکار می‌بردند ولی ایشان دچار حالات نامطلوب و نامساعد بودند زیرا که دستگاه‌های چاپ و ابزار کارها در اختیار دولت استبدادی بود روزنامه مهم‌ترین وسیله ابزار افکارشان بوده است. دولت استبدادی مانع به هر فعالیت انتقاد رژیم بود ولی روزنامه اولین قدم دولت در راه تجدید و پیشرفت دولت هم می‌ماند. ازین رو در انشاء آراکلی زیاد اشکالی نبود. روزنامه نویسی ممنوع نبود ولی زیر سانسور می‌آمد اما با وجود این حالات نامساعد، مردمان روشنفکر به صحنه آمدند و با انشاء آراء متون و مطالب تازه و جالب توجه در زمینه سیاست توجه مردم را نسبت به مسائل زمان جلب کردند. این ادبیان توسط روزنامه‌ها توجه مردم را نسبت به عقب ماندگی و عقب افتادگی که ما به بد حالی و بیچارگی و فقر و فاقه بود آگاه ساختند و برای تحول رژیم و شیوه حکومت یافتاری کردند و در نتیجه موفق شدند. انقلاب مشروطیت را در ایران پیاده کنند مردم خرم آزادی و حقوق سیاسی و آزادی بیان قلم را بچشند.

پیش از اعلام مشروطیت روزنامه هادراپران زیر نظارت دولت خودکامه منتشر می شد ولی تعداد آن نسبتاً خیلی کم بود و اصلاً مطالبی را جمع به مصالح و منافع سیاسی نکرده مردم در آن نبود و زیاد تر دارای متون و مطالب ادبی و دینی و تاریخی و نظیر آن بوده است. چندین روزنامه که قبل از اعلام مشروطیت در داخل کشور و زیر نظارت دولت -

توسط مردم منسلک به دستگاه دولت اداره می شد و بچاپ می رسید از اول روزنامه نخستین روزنامه در زمان قاجار به کوشش عباس مزار در سال

- ۱۲۳۷، ۱۲۵۲ هجری به مدیریت مزار صالح شیرازی بوجود آمد و پس از آن

بطور نامنظم و با فاصله های طولانی چند شماره از این خبرنامه بنام کاغذ اخبار

انتشار یافت "کاغذ اخبار" دوام نیافت و بزودی تعطیل شد در سال ۱۲۷۸ هجری مزار

نقی خان امیر کبیر روزنامه "وقایع اتفاقیه" را به تقلید از روزنامه تقویم "وقایع اسلامبول"

شروع کرد. روزنامه وقایع اتفاقیه نخستین روزنامه هفتگی بود و به مدیریت مزار اخبار

بچاپ رسید در روزنامه دولت علیه ایران" در سال ۱۲۷۷ هجری چاپ رسید و مزار

ابوالحسن خان غفاری نقاش تصدی کار روزنامه را بر عهده گرفت این اولین روزنامه

فارسی است که عکس نگیری را جاداد وازین لو نخستین روزنامه مصوری در ایران شمارفت

برای دیگری در زمان حسین خان سپهسالار بنام روزنامه "دولتی" روزنامه ایران

۱- ۲۰۲۱ - مسعودی - ریشه های فارسی در سرایر جهان انتشارات عنان سری نگر ۱۹۹۴ ص ۳۰

۲- ستاد محیط طباطبائی - تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران انتشارات بعثت تهران ۱۳۷۵ ص ۲۶

«ملت سینه ایران» که از شماره سوم به بعد به نام روزنامه «ملتی» نامیده شد علاوه بر آن تعدادی از روزنامه ها که در ایران بچاپ رسیدند از جمله آن روزنامه «دولت ایران» فارسی «صدای ایران» «جدید کمال وطن» و غیر از آن بودند که بعد از چند شماره بزودی از میان رفت.

پس از اعلام مشروطیت شماره روزنامه ها بالا رفت که شامل نوشته های بسیار کننده ای و مطالب سیاسی در منافع و مصالح مردم ایران بودند اولین روزنامه عهد مشروطیت که بعد از گشایش مجلس در ایران بوجود آمد «مجلس بود که بنزایعه مرزاسید مظهر منتشر شد. مرزاسید به وسیله روزنامه خود مردم را به تمدن و آزادی و ترقی و تحول اوضاع سیاسی دعوت می کرد پس از انتشار روزنامه مجلس متعدد روزنامه های معروف در ایران بوجود آمد مانند: وطن، ندای وطن، کنگول، مساوات، تمدن صحیح صادق، روح القدس، ایمال، عراق محم، زبان ملت، آرمیت، اتحاد، آیات قرآن، کیم، سخن بزرگان و غیر از آن.

پس نه ماه بعد از اعلام مشروطیت روزنامه بنام حبل المتین، تأثر، روح القدس، مساوات، و صور اسرافیل در ایران چاپ گردیدند. روزنامه صور اسرافیل ارزش ادبی هر داشتند «عدالت» آزاد، مجاهد، نسیم و شمال، ایران نو، پولیس ایران، استقلال ایران،

آفتاب و غیر روزنامه‌ها بودند که خدمات شایانی و قابل فراموش نشدنی در پیشرفت انقلاب  
 مشروطیت و بیداری مردم ایران از حقوق اساسی و تحول هرگونه ای در جامع مخصوصاً تحول  
 سیاسی می‌کردند. روزنامه نویسی ایران توانست وسیله آگاهی و روشنفکری بیان نوره  
 مردم شد و جنبش ملی از راه عدالت و برابری را در برابر کشورگشورگشیش داد و آزادی  
 و دموکراسی را بعنوان عوامل مهم را بایمان ساده و شریوان برای ملت نشر کرد و به  
 توسط نوشته‌های خود جهالت و عقب ماندگی و استبداد مبارزه می‌کرد و مصمم صادق  
 بامدیبریت مرزنی قلی خان مؤید الممالک منتشر می‌شد که توسط هموطنان را بسوی بی‌علی،  
 بی‌خبری جلب می‌کرد و در تحصیل اساس پیشرفت معین و وظیفه سران حکومت نسبت  
 به ملت حمایت می‌کرد. روزنامه معروف دیگر بنام "نسیم شمال" که روزنامه ادبی و فکاهی  
 بود - مدبر اشرف الدین گیلانی این روزنامه را از اول تا آخر مدبریت خود می‌نوشت. ۱.

"جیل المشرق" یکی از چهار روزنامه انقلابی بودند که خدمات شایانی را در جنبش مشروطیت انجام  
 داد میسرید حسن کاشانی این روزنامه را به چاپ رسانید برآون مولف کتاب "تاریخ مطبوعات  
 و شعر در ایران (The history of prose and poetry in Iran)" و ترقی این روزنامه را در انتشار  
 مقالات سیاسی راجع به وزارت امور خارجه و بویژه اشتقادات آن از قرارداد سال ۱۹۰۷  
 میلادی روس و انگلیسی می‌دانند.

۱- بحیثی آرین پور - از صبا تا بنام، ج ۲، ۲۰، دوار تهران ۱۳۷۲ ص ۴۲۰

۲- برآون: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۲، ص ۳۳۸

مقاله‌های این روزنامه بیدارکننده نوده مردم جامع بود و هم مورد الهام آزادخواهان  
و مبارزان آزادی بود -

روزنامه دیگری بنام صور اسرافیل که شدیدترین روزنامه صدور  
مشروطیت ماری آمد. این روزنامه قاسم خان تبریزی با پارسی جهانگیر خان تبریزی  
و با همکاری علی اکبر دهنخدا مؤلف کتاب "چند ویند" اداره می‌کرد. صور اسرافیل دارای  
نوشته‌های طنزگزیده و نیش‌دار بود که ملت خوابیده را می‌خواست بوش بیاورد  
و ناسامانیهای ملت را مطر می‌کرد مدیر و نویسنده روزنامه صور اسرافیل در سراسر  
فعالیت خود طرفداری از آزادی و اخوت و برابری در هر زمینه اجتماعی و سیاسی می‌کرد.  
چند روزنامه‌های مشهوری که در خارج از ایران بچاپ می‌رسیدند و برای  
ایرانیان نقش ارزنده‌ای داشتند از جمله آن روزنامه‌ها «ارشاد از باکو» «اختر» از  
استانبول حکمت از مصر، تریا از مصر، جبل‌المسین از کله‌فون از لندن را می‌توان  
نام برد. روزنامه‌های نامبرده درباره اوضاع ایران آزادانه و آشکارا اظهار عقاید می‌کردند  
اختر نخستین روزنامه فارسی بود که در سال ۱۲۹۲ هـ به مدیریت آن حاج محمد  
ظاهر تبریزی تأسیس گردید و به سبب جدید در خارج کشور بچاپ رسید و منتشر می‌گشت  
پرنس ملک‌خان ناظم‌الدوله دانشمند بزرگ ایرانی روزنامه «قانون» را در سال ۱۳۰۵ هـ

در لندن تأسیس کرد. سبک ساده و شیرین داشت.

بهر حال روزنامه‌ها و مدیران و نویسندگان روزنامه‌ها در سیداری مردم و ذریعش

مشروطیت در ایران و برای برقراری نظام جدید سیاسی نقش‌نمایانی داشتند و در فرصت

مناسب جهت منافع و مصالح ملت و خوانندگان را هدایت می‌کردند و هیچ وقت راضی نبودند

که پیمان خود را با مردم یعنی دولت دموکراتیک و مشروطه مسکنند و همیشه در برابر با زیاده‌ها و

حالیّت دولت و دشمنان چه درون ایران و چه بیرون از ایران اسپندگی بکنند.

فصل سوم

خاکشنامه و ناهشنامه نویسی در ایران

## نمایشنامه و نمایشنامه نویسی در ایران

نمایشنامه که بهترین وسیله تفیحم و بیداری مردمان به شمار می رود که در سراسر جهان در انواع مختلف رایج است برخی از نمایشنامه ها جنبه سیاسی و اجتماعی و ملی می دارد و باعث حرکت های مردم می باشد.

در یونان و در ادب قدیم اروپا، نمایشنامه ها بیشتر منظوم بود چنانکه ادب داستان با هم در قدیم بیشتر منظوم بوده است از قرن هجدهم به بعد در فرانسه درام های منتشره با نثر ساده به وجود آمد و در آنها به جای ماسکله که معمولاً در تراژدی و کمدی ماسکله معمولی زندگی می پرداختند و می توان گفت که تراژدی و کمدی را با هم مخلوط کردند و این نوع نمایشنامه بود که در اواخر قرن ۱۹ به درام های رئالیستی منجر شد که در نمایشنامه های عصر رئالیسم، اومانیم حاکم است.

لفظ درامه (Drama) از لفظ یونانی مشتق شده است به معنی

کاری با عملی است که واقع می شود پس در اصل هنری است که روی صحنه می آید. پاد لفظ دیگر نوشته ای که برای بازی کردن در تماشاخانه تحریر می شود و هنر پیشگان از روی آن صحن گویند و حرکات خود را بر طبق آن نوشته تنظیم کنند که انواع دارد.

درامه دارای اهمیت بلند است که توارخ اجتماعی و سیاسی مردم به بالا



رسانید. حقیقت این است که نمایشنامه او نوشت زندگی انگیزه رسم و احساس صداقت

است. در حقیقت درامهای مدرن و مربوط به عوالم روحانی و فکری بشری است!

موضوع نمایشنامه مبنی بر حقیقت می شود که روز بروز در زندگی رویدادی شود

- طبق ارسطو برای نمایشنامه عناصر مختلف لازم است مثل حکایت [Falle]، کردار -

- [Character]، طرز بیان (Diction) گفتار [Thought]، تزیینات (Decorations) و موسیقی

(Music) هم در نمایشنامه در نوعی [Plots] مختلف تقسیم می شود مثلاً صحنه و غیره مجموعاً

نمایشنامه فقط دو قسم دارد تراژدی و کمدی -

تراژدی یا غمناکه = تراژدی های قدیم اروپا بیشتر منظوم بوده

است و به همین دلیل در تعریف تراژدی گفته اند - نمایشنامه منظومی است که وقایع آن

ترجم و دلسوزی بیننده را برمی انگیزد. تراژدی نمایش اعمال مهم و جدی است که

مجموعه به ضرر قهرمان اصلی تمام می شوند یعنی صحنه داستانی (Plot) جدی به فاجعه

[catastrophe] منتهی می شود این فاجعه معمولاً مرگ جانگداز قهرمان تراژدی است - مرگی که

البته انقاعی نیست بلکه نتیجه منطقی و مستقیم حوادث و سیر داستان است قهرمان تراژدی ها

بیشتر یک عیب یا رنجی است که مصیبتی بزرگ بر سرش می آید و چون دوست داشتنی

است - بیننده نمایش از رنج او رنج می برد و احساس می کند که میان موضوع داستان

و عواطف او سینه‌های درگیر است. آنچه در ایران به نام شبیه‌خوانی دارد و آنچه در گذشته  
به یاد قهرمانی تاریخی خود داشت در واقع تراژدی است.

کمدی (Comedy) نوع دوم ادب در هانگ کمدی است. کمدی  
اثری است که نگاهی توجیه‌بیننده را به خود جلب می‌کند و باعث سرگرمی می‌شود. راست  
است که هدف از کمدی خنده و تفریح است اما در آن فی الوقتی مایل جدی‌ها در پیره شوخی  
نموده می‌شود. در کمدی شخصیت قهرمانان و شکست‌هایشان بیشتر جنبه شوخی  
و شادی و سرگرمی دارد معمولاً بیننده بدان توجیه جدی نمی‌کند.

چند انواع دیگر نمایشنامه را نخب است

فارس (Farce)! فارسی اثری است که خواننده یا بیننده را از همی‌دل به خنده وای  
دارد و ازین رو به آن کمدی سبک گفته‌اند و امروز به این شیوه فیلم‌های سینمای  
سبک و خنده‌داری می‌سازند [مخصوصاً در کما بیان] در فارس قهرمان را یا خیلی بزرگ  
می‌کنند و یا خیلی کوچک و او را در موقعیت‌های خنده‌آوری قرار می‌دهند. مولیر اثری  
به این شیوه دارد.

میلودرام - از نظر یونانی مشتق شده است که به معنی سرود. یک نوع رومانی

(Romantic) و هیجان انگیز (Sensational) است می‌گویند که بیشتر انجام خوب و دلپذیری

دارد و پس از پایان نمایش، در روح بیننده نغمی برجای نمی‌خورد.

نمایشنامه معما (Mystery play) - این نوع نمایشنامه در قرون میانه مربوط

به کتاب مقدس (تورات) است و بیشتر درباره زندگی، فوت، احیاء عیسی است

نمایشنامه معجزه (Miracle plays) شکل قرون وسطی است که مربوط به مذهب

مثل کتاب مقدس، زندگی وی است.

ماسک (Masque) - در میان هجدهم تا هفتم تا هفتم در بریتانیا (England) رایج بود

لابازی (pantomime) در این گونه نمایشنامه تنها حرکت چهره و اندامهای بازیگر است که

معنی خاص را به ذهن می‌رساند و به همین دلیل کار نمایشنامه نویسی و بازیگر در این نوع

بسیار دشوار است. نمایشنامه نویس چنان بر زبان چیره باشد که درست آنچه را

می‌اندیشد در نوشته خود باز نماید و بازیگر باید چنان ذهن دریا بنده‌ای داشته باشد که

با خواندن نوشته او جان سخن را احساس کند و با حرکت بنمایاند.

بازی عروسکی (puppet show) - این هم از پدیده‌های نمایشی دیرینه جهان

است. عروسک‌های که با رشته نازکی به بالای صحنه بسته شده‌اند، به اراده گرداننده در صحنه

جایگاهی توند و از زبان آنها سخنانی در لپتت صحنه بر زبان می‌آید. موضوع خیمه شب

بازیها بیشتر تکراری و ثابت است و در بیان بسیاری از ملتهای یک موضوع سالیانی در صحنه

بازی می‌شود. امروز این بازی بیشتر جنبه سرگرمی دارد و در کودکان و گردشگران انجام می‌شود  
 این نوع نمایش در نهمصدسال پیش یعنی در دوره سلاجقه در ایران متداول بوده  
 و مردم برای تفیخ خاطر بدان سرگرم بوده‌اند.

نمایش و دکلماسیون: (Monodrame) - این نیز در شماره هنر نمایش است.

هنر نمایش ابزار پرورش روح مردم بوده و طبقه رفیع صواحه ساعت‌های فراغت خود را در  
 میدانها با درکار و اسراها به شنیدن نقلهای حماسی و تاریخی می‌گذرانده اند و بسبب  
 از بیداری قهوه‌خانه بازار. این هنر در قصه‌خانه‌ها رونق گرفته است.

موضوع داستانهای نقلی سرگذشت شخصیت‌های تاریخی یا افسانه‌ای

بوده و چون با بیان و دکتهای خاصه نقلان به شیوه‌ای جذاب و مؤثر گفته می‌شده

شنوندگان را ساعت‌های سرگرمی داشته است.

توضیح و افعات است که "ادبیات و هنر" هر قوم و ملتی بر پایه بومی

از اشکال ادبی و هنری استوار بوده و از طریق بازتاب ارزشهای آن اشکال است

که شهرت یافته است.

در ایران نیز ادبیات بر پایه "شعر" استوار است و می‌دانیم که ادبیات

شعری در نوع خود بگانه و ممتاز به شاعری رود. رودکی، فردوسی، حافظ، سعدی،

نامر خسرو، نیاپوش، و صدها شاعر دیگر کسانی هستند که چهره‌ای رنگارنگ و پرفروغ  
از ادبیات رادر ایران ترسیم کرده‌اند

بعد از یک نگاه کلی به تاریخ، دید جامع ایرانی رادر بر هنر نمایشی  
بیربهری شود که نمایشنامه در جامع گذشته ایران یک هنر و به عبارت دیگر یک عنصر تمدن  
شناخته نمی‌شود و ارزش و تاثیر نمایش در پرورش روان و تکامل شخصیت مردم  
نایابان سده سیزدهم هجری نا شناخته است. ۳ مذهب، آن رادر شامل کارهای  
سجوده می‌داند و حکومت استبدادی گذشته آن رادوست نه داشته

با همه اینها نمی‌توان گفت که مردم ایران در سده فون گذشته با هنر  
نمایش بیگانه بوده‌اند. در گوشه‌های تاریخ اشاره‌ها و نشانه‌های هست  
که این سخن در ایران را بجا بود.

ماخذ قلبی ایرانی می‌توان دریافت که روزگار باستان بر تزاری  
برفی مراسم مذهبی و جشن‌های ملی و درباری با سالگردها (مراسم منع‌گشی) یا  
عزاهای ملی (سوک و سیاوش) جنبه نمایشی به خود گرفته است هنگامی که  
مکبوجیه برای گشودن سرزمین مصر رفته بود مردی به نام گوئمانا بر پادشاهی اودست  
انداخت و پس از خودکش مکبوجیه، مردم بر گوئمانا شوریدند و او را نابود کردند

و پس مرال در همان تاریخ مراسمی به یادگشتن او برپای شد و مردم شهر شهر  
 و کوی بیکری از اومی ساختند و در آتش می افکند و این کار را «مخ گان»  
 می گفتند. نکته مهمی که در تاریخ ایران نشانه آشنای با نماندنامه و بازیگری است  
 وجود چند اصطلاحات نمایی در شعرها و نوشته های گذشتگان است  
 مانند این سخن فردوسی -

به بازیگری مانند این چرخ هست

که بازی نماید به هفتاد دست.

یا این گفته نظامی گنجوی -

میسندار کنز بهر بازیگری است

سر پره بی اینچنین سر سری است

یا این بیت حافظ -

حلقه زلفش تماشخانه باد صبا است

جان صد صاحب دل آنجا بسته پیک مویین

سپادش در توران به دست یاران افراسیاب نالود شد و گشتن سپادش سالیانی

از میان ایران و توران جنگهای خوبی پدید آورد. ایرانیان از آن پس هر سال سرگذشته

اندوهبار سپاوش را به صحنه می آوردند و برایش می گریستند این «گریستن مغان»،  
 نامه چهار قرن اول اسلامی در خراسان و ماوراء النهر رواج داشته است و شاید در روزگار  
 آل بویه تعزیه خوانی و شبیه خوانی به یاد شخصیتان کربلا با انقلاب از «گریستن مغان» پدید  
 آمده باشد. این شبیه خوانیها که برای پرورش روح مسلمان پدید آمده است.  
 در فرهنگ سرزمین ایران همان معانی را دارد که تراژدی در یونان باستان داشته  
 است و در هر زمان بر پایه سنتهای ملی و مذهبی قصههایی را برای تراژدی خود برگزیده  
 اند. زنده کردن حماسه شور انگیز حسینی را و صحنه های شبیه خوانی عصر الدوله  
 دیلمی آغاز کرد و چون شکوه پادشاهی آل بویه پایان گرفت. چند قرن جلوه  
 نازی از آن دیده شد و در زمان صفویان هم که آیین شیعیان علی رونق  
 گرفت. باز به نوع خوانی و یادنامه خوانی بیشتر توجه می شد و پیشوایان مذهبی  
 کمتر روای داشتند که تراژدی کربلا بر صفا بیاید

اما در زمان قاجاریان این کار گسترش یافت نمایشنامه نولسی  
 به معنی اروپایی آن در ایران با تالیف دارالفنون و ترجمه نمایشنامه های موسی  
 آغاز گردید در سال ۱۲۷۶ هـ ق که بنای دارالفنون به فرمان ناصرالدین شاه در زمین  
 شمالی شرقی ارگ سلطنتی تهران نهاده شده

فنه‌نمایشنامه نویسی در قرن اخیر به تقلید از اروپا در ایران معمول شد. در صد سال  
 اخیر چندینی از ایرانیان کوشیدند که نمایش را ابراز هنر اندیشه‌های تازه کنند. ارسال  
 ۱۳۰۰ هجری شمسی (۱۸۰۵ میلادی) بنابر آثار تمدن جدید در زمین ایران پراکنده شد -

با مراجعت نخستین دست‌نویس‌های جوایانی که عباس میرزا نایب السلطنه با اروپا فرستاده  
 شده بود اصلاحات سیاسی در ادارت و نظام و توسعه معارف شروع گردید (نشونوی)

دوست در ترتیب اهالی و توجیه‌های دینی تفریحی و با سواد شدن خلق، مردم را با اجرائد و کتب

اروپایی که به سبب رواج فن چاپ، بجد و فور ترجمه و منتشر می‌گردید، آشنا کرد

و مردم را با روابط ایرانی با اروپایی بیشتر می‌شد نفوذ فرهنگ و هنر فرنگستان نیز رو

بفزوننده و ازین رهگذر جنبش بزرگی در کلیه شؤون اجتماعی ایران پدید آمد<sup>۱</sup>

پیشرفت نمایشنامه جدید در مراحل گوناگون گذشت و کسی که اولین

بار به طرف نمایشنامه منسوب شد آخوندزاده است که اولین بار نمایشنامه‌ها به تقلید

اروپاییان نوشت. که در دست می‌باشد یکی از آثار نمایشنامه نویسی معروف

آذربایجان در فتحعلی آخوندزاده است که بوسیله «میرزا جعفر قاجار» دانشمند لغت‌نویسی

ترجم شده است که با بد جزو آثار خارجی ایران به حساب آورد و دیگری نوشته‌های -

منسوب به پیرنسیس میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله می‌باشد.

<sup>۱</sup> ملکه الشعراء بهار سبک‌شناسی، جلد سوم، صفحه ۲۴۱ و دکتر پروین خانم نوری نخستین نگاره

نویسنده‌گان ایران، صفحه ۱۲۸



مثابه اولین نمایشنامه هائیکه بزبان فارسی با اسلوب اروپائی نوشته شده آثار مرزا ملکم خان باشد قسمتی ز این نمایشنامه ها در سال ۱۳۴۶ هجری در روزنامه اتحاد تبریز چاپ شده ولی مجموع کامل آنها فقط در سال ۱۳۶۰ در برلین انتشار یافت ۱

بعد ازین یکی بعد دیگری نشن نمایشنامه فتحعلی آخوندزاده به

توسط مرزا جعفر قاجار داعی از ترکی ترجمه گردید و ابتدا ابراهیم خلكه کیمیاگر به

سال ۱۳۸۸ هجری، حسن فولادور با سال ۱۳۹۰ هجری مردخسپس و کلاه

مرافعه حکیم نباتات به چاپ رسیدند اما در سال ۱۳۹۱ بود که همه نمایشنامه هائیکه عنوان

مثیلات در یک مجلد چاپ فی سر این همه نمایشنامه بر تفکر سیاسی فارسی -

(Persian political thought) نفوذ مهمی داشت -

یکی از بهترین طعنه نویسان مرزا ملکم خان بود که در فرانسس

و ایران تحصیل علم کرد و گاهی در دولتی ایرانی به مقام اعلی مامور بوده. نمایشنامه

ملکم برای انقلاب مشروطه ۱۹۰۸ راه هموار کرد یکی از نمایشنامه آنها "حکومت زبان خان"

که در ۱۹۰۸ انتشار یافت در آن او استبداد و ارتش حکومت قاجار به فاش کرد.

در اوائل دوره :- در بین نمایشنامه نویسهای برجسته ترین جدید

مرزا احمد عموری (که نخستین نمایشنامه نویس جدید بود) و رضی کللی فکری بودند.

۱ دکتر خاندی نخستین کتبه نویسندهان ایران صفحه ۱۴۳

نمایشنامه محمودی "استاد نوروز بیستم دوز" در سال ۱۹۱۹ چاپ شده است که به زبان  
 محاوره ای است. محمودی قبل از جهالتزاده به برداشت از زبان عوام پرداخته است نمایشنامه  
 استاد نوروز بیستم دوز به خودی خود گنجینه ای از فرهنگ عامه است - مکالمات نمایشنامه  
 آن قدر سنجیده تنظیم شده است که حتی میان مردم جنوب و شمال گفتنی های فرد فرد  
 گروهی از اوقات، مستقل و متمایز است نمایشنامه دیگری محمودی حاجی ربای خان  
 اقتباسی است از "نارنوف" مولیس جریان سپونا سینما و تعظیم و محبت نسبت  
 به گذشته که با مشروطیت شکل گرفته بود، در سال های آغاز قرن خورشیدی حاضر  
 رواج ملی می یابد. درک افتخارات گذشته و عظمت اجدادی و لزوم پیدایش  
 یکدسته منجی ملی، یکی از مسائل ملی تبار می شود. آثار نمایشی میرزاده عشقی، ابوالحسن  
 فروغی، محقق الدوله، نندرکیا، علی لعل، صادقی هدایتی و دیگران این درو نماید  
 یعنی بازحیثیت هویت ملی و جستجوی قهرمان نجات بخش، را به شکل های گوناگون  
 تکرار می کنند اما به موازات این گونه برداشته ها، بن بست آن نیز در چشم انداز  
 نمایشنامه نویسان ظاهر شده است که جوانتری گتم از اروپا تاثیر و تربیت  
 یافته می خواهد، ستون و اقیانوس روزگار شود بنا بر این دو گرایش فکری و ذوقی  
 که پیوسته یکدیگر را جذب و دفع می کنند قهرمان ارامه می یابد.

نمایشنامه "جعفرخان از فرهنگ آمده" نوشته حسن مقدم اساساً جنگ بین کهنه و نوینست، بدم حکوم کردن بی فرهنگی و سطحی بودن است. جیک علی شاه نوشته ذبیح مهور پوزخند و نا طمانه ای است و طمراقها و لغزعات رسمی این نمایشنامه گرم یک پادشاه سنتی قاجار را مورد عده و ارفی دهر اما به طبعی زندانه چشم به روزگار خود دارد.

کمدی ایران در حقیقت اولین مؤسسه نمایشی است با و اصول و مقدمات صحیح شروع بکار کرد و زفته رفته زوق فهم ثنائی جدید را در مردم بیدار ساخت بعد از کمدی ایران در سال ۱۳۰۳ شرکتی بنام "کمدی اخوان" بسره پرسی رحوم محمود ظهیرالدین که یکی از اعضای کمدی ایران و از معروفترین هنرمندان کمدی بود تاسیس گردید پس از جنگ بین الملک ۱۸-۱۹۱۴ گروسی از بازیگران قفقازی و روی با ایران آمدند و با آن که زبان آنها ترکی پاروی بود اما چون به هنر نمایش تسلط کامل داشتند و در تکنیک تئاتر عمومی بودند کار آنها مؤثر واقع شد و هنر آموختن نکات ناآره در همین رعینتی برای ترمیم آثار ترکی و رومی ایجاد کردند که در نتیجه نمایشنامه های معروف: آرشین مالا آلان مشعری آباد، اصل و گرم و عاشق و غریب ترجمه و بگنجینه ادبیات ایران اضافه شد.

بابر و جنگ بین الملل دوم که اوضاع سیاسی، اقتصادی و اقتصادی اغلب کشورهای جهان  
 تغییر کرد و کشور ایران نیز از این تحولات بی نصیب نماند. در ادبیات و هنر نمایشی ایران انقلابی  
 روی داد که اگر چه با مخالفت با تئاترهای کشورهای شرقی، این تغییر و پیش روی ناچین بود  
 ولی می توان گفت که در گذشته هرگز با این قدرت نبود. شور و هیجان نویسندگان  
 که در ایام گذشته سرد و خاموش شده بود دوباره حرارت و روشنای گرفت و افکار  
 تازه و نوئی که بوسیدم سخن سراپان و نویسندگان در ادبیات فارسی راه یافت و قوی مردم  
 را بجای تغییر داد و آنها بیشتر به هنر نمایش آشنا ساخت به سال ۱۳۱۶ یک  
 فستیوال بنا شد که به کوشش وزارت فرهنگ و هنر در تالار ناز به سازی برپا شد  
 بدینال این فستیوال، آن تالار و نمایشخانه دیگر چند سال پربار را در نمایشنامه  
 نویس ایران شاهد بودند جالب این که صورت های مختلف فستیوال ۱۳۱۶ بعدها  
 به طرز گسترده ای مورد بازسازی با تقلید گرفت. به همراه این جریان ترجمه معروف  
 و اجرای نمایشنامه خارج نیز و سطح وسیع سردینال شد و آثار ارزنده در نمایشنامه  
 نویسان جدید اروپایی و آمریکایی نظیر جنوف، ساتر، ایبسن، تئسی، ویلیامز،  
 بونکو، برشت، دورنات، کامو، یوجین اونیل، آلور میلر به صحنه آمد و بی شک  
 صاحبان این ناها تئاتر ت سازنده ای در نمایشنامه نویسان ایرانی به جا نهادند.

نمایشنامه نویسی در دوره محمد رضا شاه پهلوی به بلندی رسید اگر چه بعداً او نمایشنامه نویسان را سرکوب کرد که بر علیه استبداد دولتی نوشتند ولی نمایشنامه نویسی ادامه یافت. هیچ گونه شک و تردید نیست که دولتی در نوشتن نمایش سرکوب و جلوگیری کرد. نمایشنامه نویسان همیشه در دوره رضا شاه پهلوی خفگی کردند ولی برخی از نمایشنامه نویسان بودند که با وجود خفگی و اذیت دولتی، آنها این هنر فن را به بلند پایه رسانید. این همان دوره بود که نمایشنامه نویسان به تقلید درام اروپا خوب خوب نوشتند و جنبه سیاسی، اجتماعی و مذهبی موضوع نمایشنامه ها بودند.

اکنون در تهران تماشاخانه های جامع باربد [مهرنایش]، تماشاخانه تهران، تئاتر دهقان، مصدک و الا [تئاتر یازم فرهنگ سابق] (جیبی) تئاتر فردوسی (صدری) تئاتر نو (سورلی) تماشاخانه گیتی صادقی پور نه خدمت گذاری هنرمستغولند و عده ای از آنها که طبق درجه بندی وزارت کشور درجه یک شناخته شده اند - مجاهدت می کنند که روز بروز بر وسعت و تکمیل هنرنمایشی ایران افزوده گردد.

با وجود اینکه نمایشنامه در اسدوم ممنوع بوده است سالها ایرانیان

از این فن محروم بودند و دولتی هرگز اجازت نداد که کسی بر علیه دولتی نوشت  
 وی در آواخر قرن نوزدهم هجری نهایتاً نامه نویسی در ایران خیلی پیشرفت کرد و دولتی که  
 از راه پول هم بخشش کرد که بیشتر مبنی بر اخلاقیات و رویای بود و بعداً با سعی وزارت  
 فن و پرورش (Ministry of culture) این هنر و فن به پایه بلندی رسید می توان گفت که  
 ایرانیان در این فن برابری کشور جهان دیگر را کردند و می کم هم نه مانند ضد.

برخی مریضان ایران نهایتاً نامه نوشتند و می اشتهاص که در این فن هم

پای بلندی و برجسته ترین و وارد اند، معرفی کوتاهی در باره آنها ذیل است.

مرزا جعفر افرا به داغی: — نخستین کسی که تمثیلات آخوندزاده را به زبان

شعبه فارسی برگردانیده و موجبات آشنای ایرانیان با فن شریف درگاه افرا هم

ساخته بود، و با ترجمه تمثیلات آخوندزاده معرفی شد بقولی در سال ۱۲۵۰ هجری بدینا

آمد. مرزا جعفر قراجه داغی یکی از روشنفکران دوره قاجاریه بوده است که با بسیاری

از اصل فکر و علم آن روزگار را آورده و مکاتبه داشته است از جمله کسانی که وی با آنها

را بطم داشته می توان از مرزا یوسف ستار الدوله، جلال الدین مرزا، مرزا فتح علی

آخوندزاده و استاد السلطنه نام برد. ترجمه مرزا جعفر قراجه داغی مبنی بر سه متن است

① متن فرانسسه ② ترجمه جعفر قراجه داغی ③ ترجمه حسن خان ناصر

میرزا احمدخان کمال الوزراة محمودی - یکی از چهره‌های متشخص ادبیات نالیست  
 ایران است که روحی حساس بود و علاقه‌ای شدید با صلاح کشور داشت .

محمودی پسر میرزا محمودخان مشاورالملک محمودی در سال ۱۲۹۲ هـ

قمری متولد شد و به مدرسه دارالفنون رفت و در آنجا به تحصیل ریاضی و طبیعیات

پرداخت و هم زبان فرانسه آموخت و در سمت منشی گری در وزارت خارجه به کار

مشغول شد محمودی در سال ۱۳۰۹ شمسی و زمانی که مشغول ترجمه نفوس مرده نوشته

گوگول از ترکی به فارسی بود چشم از جهان فروری بند و هفت نیاستانه و دو-

داستان از خود بر جای می‌گذارد که فقط دو نای آنها به چاپ رسیده است نیاستانه

های او به ترتیب عبارت اند از: حاجی ربائی خان، استاد نوروز بیین دورا،

قی شیش مامانی یا فخر محوی - معرکه کیت میرزا برگزیده محرم الوکاله، نوروز شکن

یا قهرمان میرزا دلسوز طبیب اجباری -

میرزا برگزیده محرم الوکاله نالیستی است که سید علی با ملک نویسنده

آن را در شخصه و منحصراً برای بانوان به معرض نالیست گذارده است - این

نیاستانه در انتقاد از نحوه انتخابات مجلس قانونگذاری بوده است عنوان

«حاجی ربائی خان» را علمی ادبی و اخلاقی فرار داده است که در واقع نه علمی و نه

ادبی و نه اخلاقی است، بلکه کم‌دی به شیوه فرس (farce) است با مضمون انتقادی و اجتماعی.

کتابخانه او "نوروز سینه دوز" از بهترین آثار نمایشی است که دوران مشروطیت

نوشته شده و می‌توانست آغازگر شیوه ای اصیل در زمینه نمایشنامه نویسی

ملی ایران شود که اما لیسندسبک نمایشنامه در مجموع ناآوارایی است و همانطور که

گفتیم رنگ کاملاً ایرانی دارد

سید علی نصری در ۱۳ رمضان سال ۱۳۱۳ هجری قمری در خانواده ای

از سادات معروف کاشان در تهران پا بعصره وجود گذارنت تحصیلات مقدماتی دیگر

علمیه گرفت و هم زبان فرانسیسی آموخت وی سالها معلم فرانسه، علم طبیعی و ریاضیات،

مدارس نظام علوم سیاسی، افسر بود. و درین مدت بر ۱۹ جلد اثر علمی زی قیمت

ترجمه و تالیف نمود و بیای رسائیده که مهم ترین آنها عبارتند از: تاریخ انقلاب فرانسه

تاریخ ایران و دنیا. حفظ الصم.

نصری پس از یک سال تلاش و کوشش در راه اعتلای هنر پارویافت

و با مسافرت وی فعالیت این مؤسسه رو بنزال نهاد و اندکی بعد یکی متوقف شد روی

درین سفر تپانیر را آموخت و پس از بازگشت، شرکت دیگری بنام کم‌دی ایران با اجازه

وزارت فرهنگ تشکیل داد و شروع بکار کرد.



ولی سید علی نصر برای نمایشنامه خود خیلی معروف است و پیش از یکصد نمایشنامه نوشتن که اغلب از زبانهای انگلیسی و فرانسسه ترجمه شده است وی توان گفت که کلیه آثار این هنرمند فنگی نایبیر در صحنه تئاترهای ایران بازی شده است. مهمتین نمایشنامه آنها عبارت اند از: سپروس، اثتباہ بی، نتیجه تعداد زوجا، حاج قمارخان تناعج بی علی نوا، عروسی آسمین آقا، نا اینجویم همینیم. زن وفا، خسرو خان محب پوکری، به همین سبب او پیر تئاتر ایران شمرده اند. شاد روان رضا کمال شهزاد به رضا کمال معروف به شهزاد پسر زرا حسن خان منشی باسی کمال الدوله در تهران متولد شد. رضا کمال یکی از دبلاختگان این راه اولر کسایی است که برای رشد نمایشنامه بسیار کوشیده است. نمایشنامه پیر پیمبر و پیر نیراد او تخرتی دارد.

رضاکمال از همان کودکی بسیار حساس و زود رنج و بسیار مریزون و مظلوم بود و در دین پیشرفت عجیبی کرد و خیلی کوچک بود که به سرودن شعر پرداخت. رضا تحصیل منظم از سن لولی زبان و ادبیات فرانسسه فرا گرفت و در رشته های ادبی منجمده شعر پیشرفت کرد و تخرقی بسزای کرد. در سال ۱۲۹۸ شس بازیگران قفقازی ریپرت آرشین مالالان را در تهران بازی می کردند و بعد از آن نمایشنامه قفقازی از جمله افسانه عشق، اصلی و گرم و کرم بند سحر آمین را به فارس در آورد.

معتبرین اثر او شب هزار و یکم الف لیل بود که با اقبال بینظیری رو برو شد. در سال ۱۳۴۳ م،  
 عروس ساسانیان، مجسمه بزرگ کلمنویان را، زرشفت را نیز می توان از کارهای  
 ارزنده او شمرده او در شهر پور خود کشتی کرد.

حسن مقدم: <sup>علی نوروزی</sup> فرزند مقدم، فرزند محمد تقی احتساب الملک در سال ۱۳۱۶ هجری  
 در تهران چشم به جهان گشود. از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و  
 یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. بعد از تحصیل علم به استانبول رفت  
 و در آنجا دو سال در دبستان "احمدیه" ایرانیان تدریس کرد. مقدم تقریباً سه مرتبه  
 اروپا و قسمتی از آسیا و آفریقا ساحت کرد و آنچه را که درین مسافرتها دید در دفتر  
 خاطرات خود به زبان فرانسه یادداشت کرد. مقدم آثار خود را به زبانهای فارسی و فرانسه  
 می نوشت. از حسن مقدم چند نیاث نامه و چند نزل و مقالات زیاد و ملتها فراوان به  
 یادگار مانده است. معروفترین نیاث نامه او کمدی یک پرده ای است بنام "جعفر  
 خان از فرهنگ آمده" که در آن از طرز رفتار و گفتار و جوانان از فرهنگ برگشته  
 و همچنین از خرافات و تعصبات بیماری ایرانیان محافظ کار انتقاد شده است.  
 صادق هدایت: - از دانشوران و نویسندگان که نیاث نامه نویسی  
 در حاشیه کارهای دیگر شاه بوده است. نیز نیاث نامه های وزنه تاریخی، اخلاقی

و سیاسی بر صحنه آمده است که برجسته ترین آنها بیرون دختر مسلمان و افسانه آفرینش است

صادق چوبک: که در ادبیات امروز چهره گیرنده‌ی دارد یک نمایشنامه

به نام نوب لاسنکی پدید آورده است. از ذبیح بهروز نمایشنامه شاه ایران و حبک

حبک علی شاه معروف است از مظهر جازری نینج نمایشنامه حافظ، عروس فرنگی

مسافرت قم حاجی متجدد و محمود آقارا وکیل کنبد شهرت یافته است. دکتر ابوالقاسم جنبی هم‌طای

نیز از چهره‌های است که در ادب و هنر معاصر ایران کوشش‌های ارزنده‌ای کرده است. نمایشنامه

چراغ از کارهای او خوب است و نمایشنامه‌های که برای کودکان و نوجوان پدید آورده هر یک

ارزش‌گویی دارد. یوسف پیرزای که در دوره رضا پهلوی نمایشنامه نوشت مسائل ملی را

موضوع خود ساخت. نظام وفا که نمایشنامه بنام «تار و قوس» نوشت که جنبه مختلف اجتماعی ایران را در

از حسن پالینی «مهران» معروف است که مسائل ملی روزگاری را موضوع خود ساخت. از اباس سید پور

«تبعید ربابه» معروف است که مبنی بر حقیقی داستان اسلام است و بی تکلیف جدید است. از علی نصیریان

سپاه، روبا، هالو، معروف است که مسائل عوام متوسط ایران دیده می‌شود و از گوهر مراد برخی نمایشنامه

در ادبیات فارسی پدید آمد.

چهره‌های درخشان دیگری هم بوده اند که فن نمایشنامه و نمایشنامه نویسی را در ایران به تمام

بلند رسانیده اند که تا هنوز به صورت کم‌دی و به تقلید یا تکرار قدیم فراموش نشده و اجرا می‌شود.

فضل چچانم

سرم غلام حسرت ساعدی بیخا پینتار فارسی

## سخن غلام حسین ساعدی به نمایندگان فاسی

غلام حسین ساعدی مردی مجاهد و ترقی خواه نمایندگان نامهای متعددی را به یادگار خود گذاشته است که عمده ترین آنها تجدآوری و آشنایان می سازد. دکتر غلام حسین ساعدی نمایندگان نامهای خود را بطور وسیله ای برای پیغام رسانی خود بصورت مؤثر و در قالب نمایندگان نویسندگان بار برده است.

نمایندگان نامهای ساعدی از لحاظ تعداد نمایان توجه است و بسیاری از آنها با مسائل مختلف و آدم های اندک قابل اجرا است. برین لحاظ او گروه های نمایندگان را در اغلب مدارس و مؤسسات فرهنگی ایران تعدیه کرده است فقط آثار ساعدی را نماند است و مسائل او را گرفتاری های روزمره زندگی ایرانی در سطح روستا، شهر، مدرسه و خانه تشکیل می دهد. ساعدی اغلب از نوعی راز و اشاره استعانت می گیرد به قصد نشان دادن عمق فاجعه ای که معمولاً زمینه پنهان پدافقت محتوم کوچک ماجرای ظاهر معمولی است برین گونه او از تمثیل سازی قصه های قدیم ایرانی استفاده می کند و جامعه کوچک او نماند می شود از جامع بزرگ کشور یا جهانی به تعبیر او عظمت و حشمت فقر و جهل را می نماید البته این فقر و جهل فقط مادی است.

پیچ نمایندگان نام از انقلاب مشروطیت عموداً در تیریز انقلابی می گذرد

ساعدی جلوه‌های افسانه‌ای مبارزان مشروطیت و پیران آزادی را در این نایب‌نامه عاظمی کرده است و قتی که کوه‌های همدان در پیش دشمن است بام‌ها وسیله ارتباط است. مجاهدان شنای که همدان را یکایک از پادری آورد و قوی موصوم در ذهن ظالمان می‌آفریند جلوه مبارزی به حریم اما مزده‌ای پناهنده می‌شود و چون استبدادبان در اما مزده را تیغ می‌کنند، در تنهای و هراسش می‌بیند که از گور کهن، جاهدی بیرون می‌آید تا فریاد اس او باشد. مینانهای نجد آوری و نوآوری در غالب آن در آورده فسادهای در راه پیشرفت کشور سد بوده بصورت مضحک و مؤثر نشان داده است ازین رو نایب‌نامه‌های او عمده ترین لفظها را در زمینه نوآوری بازی کرده است.

بهر حال افکار متجدد روشنفکری دکتر ساعدی در نایب‌نامه «دیکته» دیده می‌شود.

درین نایب‌نامه ساعدی قسمتی از چهره زنت این و شیوه اداری آن را که سبب عقب ماندگی کشور بوده نمایان ساخته است و عقیده و نظریه متجدد خود که مایه پیشرفت کشور می‌بایست برای همپیمان بیان نموده است. توجه مردم به مسائل مختلف مانند دیکتاتوری، دموکراسی، عدل و دادگستری، میهن پرستی، نظام آموزش و پرورش مسائل مربوط آن جلب نموده است بنابراین علم روانشناسی دکتر ساعدی توانسته بود پیغام خود را در اشاره و کنایه و سمبولی در پرده ریالیستی برایشان برساند.

دیکته یکی از بهترین نمایشنامه‌های آن قبیل است که دید نو او را مطرح می‌نماید و علاوه بر آن خوانندگان و بینندگان را از مسائل گوناگونی که ایران آن زمان با آنان مواجه بود آگاه و آسازد و برای حال آنان ایران را فرافکند و انعکاس عقیده نوگرایانه وی در این نمایشنامه می‌توان دید.

بهر حال ساعدی "دیکته" را به معنی دیکته امتحان و هم برای بکار برده است که در آن معلم از محصل امتحان دیکته می‌کند "دیکته"، واژه زبان فرانسسه است و بزبان فارسی به معنی دیکتاتور می‌باشد ساعدی آن را بطور سمبول در همین معنی بکار برده است. دکتر ساعدی از شیوه دیکتاتوری مخالفت سخت و زبرد چون آن را مانع در راه پیشرفت شخصیت فردی مردم و روی هم رفته کشور می‌دانست او نیز دیکتاتوری را که از مردم می‌خواهد چشم و گوش بسته متفرقان دولت اطاعت بکنند لطمه زبان آور در راه تجدید دانست ازین رو آنرا بطور کلی رد نموده است و دموکراسی و آزادی را به جای آن پیش بینی و پیشنهاد کرده است این مطلب را در دیکته بتوسط کردارهای نمایشنامه چنین اظهار نموده است برای تو باید اول گوش را انتخاب کرد.

بهر حال گوهر مردمی آزادی خواه و روشنفکر برای هر بد حالی کشور، هم طبقه

تحصیل کرده و هم طبقه محصلان طرفدار استبداد را مورد الزام قرار داده است و ایشان را

طبقه بندی کرده است و عقیده خود را با زیر نشان داده است طبقه اول و طبقه دوم بشریب طبقه  
 نظامیان و معلمان و روشنفکران صحت اینها همانست دولت استبدادی و دیکتاتوری هستند  
 و از آنسانی هستند که حق را به ناحق راستی را به بیرون نسبت می دهند و یا خود فایده استعداد هستند  
 یا در دست دیکتاتوری مثل عروسک بازی می کنند غلام حسین ساعدی این گروه را  
 خائین دولت می شمرد و مورد انتقاد قرار می داد و انعکاس آن در دیکته می توان دید و صلوات  
 از طبقه سوم قرار داد و آنرا نیز در دو دسته منقسم کرد یکی در لباس وصل حقیقی و دیگری را  
 شاگرد فاسد و دروغی معرفی می کند ساعدی عقیده داشت که شاگرد فاسد و دروغ از آن  
 کسانی هستند که بلاغ به پیش نهاد گمراه کننده من در می دهند و کارهای زشت  
 بنام نوگرایی در زمینه آموزش و پرورش انجام می دهند و برای تن پروری خود آزادی دیگران  
 را بیست سری می گذارند و نیز فایده از استعداد هستند که زشت و نادرست را درست و صحیح  
 می فهمند ازین رو اطاعت گو و گوران را شیوه خود قرار داده گمراهی را کامیابی خود می شمارند  
 این نوع مطالب را در نوشته های گوهر مراد می توان مشاهده کرده.

معلم اول: (خطاب به شاگرد اول) شما قرآن، از زندگی خودتان راضی هستید؟

شاگرد اول: او دخیلی.

معلم دوم: چینی کم و کسر نداشت.



شاگرد اول به ابداء، ابداء.

هنگامی که در ایران دوره وجود داشت یعنی با اطاعت دولت یا مرگ. گوهر ارد  
 راه سوی راه خوانندگان نشان داد این راه سوی که لازم و مایه پیشرفت کشور می باشد  
 آزادی مطلق و کامل است گوهر ارد این راه سوی را بسته می دید و سعی کرد که آن را  
 باز کند. هنگامیکه "معلم" به "محصل" رسید راه نجات است، دیکته می کند و حاصل اعتراض  
 می کند و عقیده که نزد او باور کردنی نیست بگلی رد می نماید عقیده "محصل" عقیده گوهر  
 ارد است دکتر غلام حسین ساعدی عقیده داشت که ایرانیان تا آن زمان از امید چیزی  
 دیگر جز استبداد، ستم بالای ستم، فقر و سترگدانی، بد انتظامی، و بد حالی کشور بیست پیآورده اند.  
 چنانچه پیش بینی می کرد که خود را برای مبارزه آزادی آماده بکند از احساس این نوع عقیده  
 گوهر ارد در نوشته های وی مخصوصاً در دیکته، "صویر است غلام حسین ساعدی آموزش و  
 پرورش صحیح را یکی از مایه های پیشرفت و رهای از عقب ماندگی و عقب افتادگی کشور  
 می شمرد. دانش بر حال آموزش و پرورش بد در کشور می سوخت. ازین رو روشی است که در این  
 زمینه رواج می داشت مورد انتقاد قرار داد. تمام مسایل مربوط به تعلیم و تربیت مانند شنبه  
 آموزشی، نظام ارزیابی پرورش نامه امتحان، معیار جانشه را تحلیل و تجزیه نموده برای  
 قضات واقعی به خوانندگان گذشته است تا ایشان ازین اقدام ساعدی درس بگیرند

و برای بهتر ساختن اوضاع درین زمینه خود را بسیار سازند و در تشکیل ایران متحد و نویسن فعلانه  
 شرکت بکنند می توان گفت که ساعدی هدف خود را بجوی یافته است و نکته مهمی و بیخام مرفی که  
 می خواست به همینان مخصوصاً در الشجریان و طبقه روشنفکران و تحصیل کرده برساند خوب از عبده برآمده  
 است و ازین طریق جای خود را در ردیف روشنفکران متحد خواهی قرار داده است.

علاوه "دیکته" او برخی نایب نامه های بلند پایه نوشت که عبارت اند از

جانلشین، زاویه، مرگ دریاکنیز، پینت شیشه ها، پرواز بندان، "واحه های بی نام و نشان"

"آی بی کلاه، ای با کلاه" ولی بر مغلوب عاقبت قلم فرسایی، چوپ به دستهای وریزیل، چشم

در برابر چشم، ولی بر مغلوب بهترین بابای دنیا - ماه اسل از آنها.

"چوب به دستهای وریزیل" یکی از موفق ترین نایب نامه های ساعدی گرفتاری کشورهای

استعمار زده را با یک تمثیل لطیف عام فهم روشن می کند. هدف نویسنده متعدد است که حقائق

مسلم زندگی ایرانیان و تسلط استعمار شور بهار را در خیال برداری نشان بدهد. داستان کاملاً

خیالی است ولی از لحاظ حقیقی رفتار انسان را به طرز واقعی بیان می کند نویسنده بوسیله

داستان غیر واقعی با تصویری محدودیت مرزهای واقعیت را شکسته و غیر ممکن را ممکن را غیر

ممکن ساخته قدرتهای مجیب و نیروهای موز انسان را بدون جهان واقعی عادی ما بازی

می کند نویسنده می گوید که عدم اتحاد، خود خواهی و خود بینی باعث شده که گرازها پویش

پوشش دروزنیل داخل شدند و زمین و محصول کمی را تا رانیدند و وزنیلهها برای حفاظت شکار  
 چهارا طلب می کنند و نا شکارچی که برای نگهداری می آیند اینقدر غذای خورند که برای تمام  
 وزنیلهها کافی بود ناچار در تلاش دیگران شدند و نا شکارچی دیگر را بیدار کردند. آنها بدتر  
 از آنها بودند چون شکارچی قبلی وارد شده اند و دیدند که جای ایشان کسی دیگر رفتن اول  
 با هم مقابل شدند و بی درپی نگرشمت که هر دو متحد شده بطرف وزنیلهها برگشتند یعنی نشان  
 می دهد که ابرقدرتها همین طور با هم متفق می شوند و وزیرستان را تحت تسلط می آورند و سهم  
 دنیا همین است او گوید که مسائل را از خود حل کند و پیر کی بستگی ندارد او اشاره می دهد که  
 چناه مانند تفنگی رضا بهلوی ایرانیان را بیهوش برداری کرد.

در آیه بالا که می کلاه « شاید می توان گفت موضوع « کودتا » را مطرح می کند. در یک

حمله شلوغ، پیر مرد بد خواب همه همسایه ها را بیدار می کند و مدعی است که غوی در خرابه  
 لغبی پنهان شده و منتظر فرصت است مردم حرف پیر مرد را باور نمی کنند اما جرات بهم نمی کنند  
 برای تحقیق امر وارد خرابه شدند در پایان پیرده اول معلوم می شود پیر زن گدای به خرابه  
 رفته بوده است.

در پیرده دوم این بار حرمیان مسلح در خرابه کین می کنند پیر مرد به خواب

باز هم حمله را بیدار می کند مردم باور نمی کنند اما با جرات وارد شدند به خرابه را ندارد.

خودشان را مانع می‌کنند که خطری در کار نیست و بی‌مرد خیال‌باف را با قوس خواب آور از سر و صدای  
 اندازند اسپس خود نیز قوس خواب آور می‌خورند تا خواب راحت‌تری بگیرند. روشنگری که از باکتن ناظر  
 همه صحنه‌ها است و بی‌وسیله مردم مورد ضرب و توهین قرار گرفته است. هنگامی که در میان برای قتل  
 عام مردم است به کاری شوند از ترس به گوشه خود می‌خیزند.

«چشم در برابر چشم» نمایت‌نامه طنز آمیزی است که از یک نقل کهن ایرانی گرفته

برداری کرده است. این نمایت‌نامه چون نمایت‌نامه اند هینگری چوبت

راجا <sup>۱۷۹۲</sup> ۱۷۹۲-۱۸۰۷ ۳۱۰۴۷ بهار تندر و هر شیخیندر است موضوعاً یکسان است ولی بیان جداگانه دارد. این

نمایت‌نامه انتقاد علیه وضع اقتصاد کشور استوه گبری، نابسامانی جامعه، زندگی‌گانی صاحبان ثروت، نااهلی

سیاستمداران چیره دستی مسندان و ناعاقبت اندیشی مردم ایران است اینجا گوهر مراد فن و شونوی

وظرافت را بحال رسانیده طنز او خسته کننده نسبت بکم برابر نشان می‌دهد قصه است

که خان حاکم باشکایت جوانی رو بروی شود که به زردی به خانه می‌بیزنی رفتن بود و می‌دای

که درد یوار بوده که چشم او را کور کرده است جوان نقاصی قصاص دارد بیزن را احضار

می‌کند تا چشم او را به تلاقی دار آورند اما بیزن گناه را به گردن آهنگری اندازد که می‌دای را شکست

آهنگر را احضار می‌کند تا چشمش را در آورند آهنگری گوید اسلام ساز شاه است و برای اسلام

سازی دوتا چشم لازم دارد و پیشنهاد می‌کند چشم بیزن را عوضی را در آوردن چون

شکارچی موقع هدف گرفتن بر یک چشم بیشتر نیاز ندارد. میز شکار را احضار می کنند میز شکارچی گوید  
 برای یافتن صید باید دو چشم داشتند و بیشتر به نهاد می کنند چشم می زن در بار را در آورد که موقع  
 نوازندگی هر دو چشم خود را می بندد این بار حکم اجرائی شود و خان حاکم خوشحال است که بالاخره  
 در قلمرو خویش عدالت را اجرا کرده است. روشن است که نهایت نامه گوهر مراد طنز آمیز  
 است. حقیقت این است که درباره عدالت رضا شاه بهلوی است که در دوره او در اجتهاد  
 راجح بود چونکه رسمی بادشاه بر کردار و بد کردار را قدر دانی کرد. اینجا گوهر مراد حقیقت را  
 بی نقاب کرده است. گوهر مراد تعصب بر بدست نه بود چونکه او نه فقط ظلم و استبداد بادشاه  
 را آشکار کرده است و آن مردمان حیدر گراییم بی نقاب کرده است که برای چیزی حاصل کردن  
 سناکتش بادشاه کرده بودند.

اشر گوهر مراد نشانگر گریز از مادیت است و سخن درباره رفاه روحی گوید  
 ولی نتوانست خود را از دنیای مادیت بیرون بکشد. درین مورد بهترین بابای دنیا، «دعوت»  
 پیامی عمیق و پرمحتوی دارد هرچنانکه مادیت بر روحانیت بیشتر می زد روحیه او در هیجان  
 می آید و این هیجان و ناراحتی در نوشته هائش خیلی خوب دیده می گردد. بویژه در بهترین  
 بابای دنیا دیده می شود که داستانی خیلی ساده است و عادی مردی بیچاره و مفلس دو فرزند  
 داشت. زندگی برایش سخت بود.

کار و کاسبی نداشت دزدی می کرد روزی گرفته شده و فتنه بفرزندان بچه ها را به مراقبت یکی از فرزندان  
 خود سپرد شش مثل شقیف با ایشان محبت می کرد، بچه ها وقتی که درباره پدر خود سوال می کردند  
 میگفت پدرشان بهترین بابای دنیا است و خیلی پولدار است آنها در انتظار چنین پدری بودند  
 بودند و بی چون بعد از سپری شدن مدت زندانی بر می گردید و عاشقانه دنبال فرزندان خود  
 می رود می گوید که من پدر شما هستم بچه ها او را بجهت پدر قبول ندارند و فریاد می کنند که او فریبی دهد  
 و مرد ریاکار است و در یاد داستان شگول و منگول می افتند و مقال برگ داستان احساس  
 می کنند حتی حدیث های پدر که آرگن و یک و دو سک و قدری شیرینی بود برای نشان کثیف  
 و بی ارزشش بوده در حالیکه بعد از رهای از زندان این آخرین سرمایه ای بود که برای بچه ها صرف  
 کرده بود. گوهر مراد همراه و همگام با جوانی که بر روحیه پدر و بچه های گذرند ریشته ها انفاد درونی  
 انسان را جستجو می کند فرزندان هیچ وقت اجازه نمی دهند که یقین بکنند که یک مرد بی نوا پدرشان  
 باشد پدر خیلی احساساتی می شود با دوست خود حال و مقال می کند و روحیه او از حدیث یک  
 پدر لکان می خورد و در آخر مثل توله بچه ها در گردن او قلده و در سیمان می گذارند و می کشند  
 و او را ضعیف به رضای ایشان می باشد تا از قرب این نور چشمان روشنای جان و شادمانی  
 دل بهره برد و از دست قنای دیوانه زندگی را از دست می دهد و بسپندد انحطاط روح  
 را در هدیه عظمت مادری و ثروت آن محیط ایران را بشدت نقد کرده و در روز و ایام

مردم را به سپری شدن روزگار و حصول جاه و شصمت ظاهری و مادی متوجه ساخته نیز با نگاه تیزبینانه  
 خود زندگی مادی شهرهای ایرانی را درگیر و دار مجراهای بیاسی و بی نظمی و ناامنی داخلی که باز  
 نابی است از مناقضات شدید اجتماعی، و ازگون می کند نمایشنامه «دعوت» مربوط  
 به یک دختر مرفه حال است که با دنیای مردان علاقه دارد. ظاهراً دختر تنها بابت کلفت  
 زندگی می کند و همه لوازمات عیش و آسایش مهیا است. ولی باین همه اسباب عشرت  
 و راحت سکون روح و قلب در دنیای خواب و خیال بود. وضع اتاق شلوغ و آشفته بی  
 سببگی زندگیشان را نشان می دهد. کفش و لباس همه چیز در افراط داشت ولی نظم و روزی  
 وجود نداشت. تضع و نظا هر اندازه ای جزو زندگی او شده است که با وجود چندین کفشهای نو  
 فقط بعلت بی رنگی عاری می گیرد و هیچ تعارف و حیا مانع نمی گردد. دختر جوان سی ساله  
 قهرمان این نمایشنامه کوتاه با وجود اینکه نه کسی جرم نه کسی دلدار خیلی به سرش مشتاء  
 و شلوغ دارد و تنها در گرداب جوانی عوالم و راهت از حوادث درناک زندگی آشفته  
 و پیرایشان عشق و عاشقی سنده جدی برایش نیست چنانکه از صحبت لغنی با یک  
 دوست او آشکارا است

ای بابا دیکه از من گذشته ... نه بچه ای گلی ... بابانوم

نند و رفت ... خب ... باشه واسه خاطر لون نیست ... تازه همین چند

روز پس بهم تلفن کرد ..... هیچ چی ..... فقط او الیسی تو که اخلاق مند مددونی .....  
 اصل بیده کردن نیستیم !

نمایشنامه دیگر "دست بالای دست" یکی از تراژدی های گوهر مراد محسوب می شود  
 که بیاد دکتر مسعود میرزا معنون شده است شخص با بازی پنج نفر شد. برادر بزرگ برادر  
 کوچک همسایه دکتر وزن برادر کوچک. داستان تجربه ایست از یک زندگی عادی نویسنده  
 با تمام وجودش مصایب را حس می کند و در باز پرداخت آنها با باء آفرینی هنری آنگنان  
 به چیزگی عمل می کند که گاه گاه انسان را شگفت زده می کند. داستان در سطح واقعی جریان  
 دارد وی سعی نموده که آن نورا شخصیت های جامع را نشان بدهد که از واقعیت بیرون  
 و اندو آور زندگی گریزان هستند و مبتلای اختلال عصبی می شوند و عاقبت مایل به خودکشی.  
 در جریان واقع هیچ جای بین برادر وزن برادر روابط جنسی یا عشق و علاقه  
 پیدا نیست ولی قبل از خودکشی اصل برادر کوچک از تریب داره نقشه خودکشی و فحش  
 و تهدیدهای برادر بزرگ درین جمله های کوچک خیلی معنی انگیز است "آره بابا جون"  
 یا نشود دینم. یا نشو که شب خوبی در پیش داریم ۲ و صرف نظر کردن از مرگ برادر یا نشو هر جوان  
 شلاق است بر انسانیت و بشر دوستی.

درین نمایشنامه گوهر مراد از حیث یک روان کاو رفتار کرده است اول



اینکه نیز نظر و روش بین نمی تواند کورکورانه زندگی بکند و ضد باطن و ضمیر خود بیرون و خرس  
 و جوش باشد و مهربانگنده، زندگی بکند. دوم اینکه بعضی وقتها تنگ و اشتباه کوچک باعث بحران  
 روانی می شود درین مورد بویژه خواهانها نمی توانند بیرون دلیل مطمئن باشند و در حالت  
 غم و غصه و احساس تنهایی از زندگی کافی خود بیزار شده مایل به خودکشی می شوند پس راههای پیشگیری  
 روانشناس بهترین حل مسئله می باشد بطرف خودکشی می برد. محیط ایران در عهد گوهراماد  
 زمان آشننگلی دین و فرهنگ دنیای فارسی بوده وی این تغییرات فرهنگی را باطنز  
 قوی مطرح کرده است.

نمایشنامه "خوشا به حال بردباران" سه پردی است این یک نمایشنامه خنده  
 آور است و طنز پنهانی دارد نمایش می دهد که پیرزن و بیزار تنها زندگی می کنند و همیشه در تلاش  
 کلفت و نوکر هستند. روزی یک کلفت جوان را پیدا کردند و نمی خواستند که از دست شان  
 برود بدو شان تصمیم گرفتند که هیچ وقت با کلفت و قال و مقال نباشند. برای اینکه تا همین  
 زندگی احسان مهربان و ملاطفت دارد ولی کرم و عنایت شان جدی رسیده گوی کلفت خانم  
 خانه را ازین می برد و هر چه می خواهد بزوری گیر وایشان چار و ناچار همه چیزها را قبول می کردند  
 حتی روزی لحقت شدند یعنی در تمثیل گفته که این است روش زندگانی شهریها که کفیل بار  
 زندگانی خود نبودند و مجبور بودند که بر بادی خانه و اسباب خود را ببینند. اگر چه در تمام نمایش

نامه نشان نداده شده که علاوه بر پیرزن و پیر مرد کسی دیگر هم آنجا زندگی می کرد ولی در آنجا نشانها  
دو نفر دیگر معاون کلفت بنظر می آید و با این دو تا پیرسال خیلی بی نیاز بودند شاید اینجا  
مسایل خانوادگی صفت (نیوکلیپر فیملی) و پیرسالان را بحث کرده -

ماه اسل نیز به همین سوال است اینجا کارهای انتلی جنبش خوب  
مطرح شده که چطور جوانان ساده دل را در دام خود می گرفتند و بعد از تسلط بر تلویزیونها  
برنامه های برای سوشلستوی مغزی و تحریک نشان نمایش می دادند و وادار می کنند  
که این وظیفه نشان بود و چون ایشان می دیدند که مخبران دفتر اطلاعات تمام فعالیت  
ایشان را تعقیب می کردند مردم ناچار شده صریح را با نگاه شک می دیدند چه مادر  
و پیر زن و پیر مرد را از آن گروه جاسوسان می شمردند و خوبی شکار دستگاه  
دولت می شدند درین نمایشنامه بسیار چیزها در کتابه و ابهام گفته شده و خیلی سمبول  
هم دارد مثل واژه نامرتب، زبان مقفی، جمله های پرمعنی، درازی قد، رنگ قوز نیل  
به جنبش، بی حیای سوار، برپس جوانان نابوت، کارهای پنهانی را علنا کردن و ظاهر  
را در خفا گذاشتن و غیره - داستان گروا گرد یک پیرزن وزن و شوهر است که تازه بودی  
کرده است - پیرزن عزیزه بدون رضا و اجازه در زندگی نشان داخل شده و وظیفه دستگاه  
جاسوسی و سوشلستوی مغزی را نشان می دهد -

این است که بین راض و معالج رابط روانی باشد و با حرفهای مایوسانه روحیه او را شکنجه نکند و بالعکس نیرو و توانایی به بختند در نظریه طبیب و مرد نظامی شخصیت والای هستند که اگر وظایف خود را درست به فهمند جامع از بدبها و بیماریها نجات می یابند اگر این دو ناقص باشند سلامتی مین و ملت کی امکان دارد!

نویسنده در تمثیل در باره زوال حکومت پهلوی پیش بینی کرده طنز خندی عمیق در باره این اندیشه مردم که یک فرمانده همیشه فرمانده است و سر نوشت از بی عوض نشدنی دارد، دیده می شود و این واقعیت آن چایوسان بوده که بر پادشاه غلبه داشتند و با وجود این خوشامد گوینان، کارمندان دانشمند و مامورین روشنفکر او را بی ارزش و مغفول می بیند و هر چه می کردند فقط نظایر بوده بر بنای نرس و مجازات و این اقدام لغوت می کنند بلکه وجودش در مطالعه جامع به کلی چشم بود. هر چه را بخاطر نگه میداشتند و بعد از آن جگرش بانوک قلم به کاغذ می ریخت همین بود که وی نرازدی زیاد نوشت ولی نرازدی وی القدر عمیق نیست که مال شکسپیر است یا خود در ایران نوشته های صادق هدایت است چنانکه گفته شده گوهر مراد در روانشناسی بود پس خوب باشد اگر برای شخصیت نویسنده هم بر اساس روانشناسی باشد. یعنی گوهر مراد یک پزشک بود و صادق هدایت یک مرد هنرمند. هنرمند همیشه اسیر حوادث نمید می کند هر چه گوهر مراد کرد این یک

ادراک عمده بود برای استیصال بدبها. صادق هدایت با قوی ترین درونگرانی دمل جامعه را نشاندهی کرد و گویا بر آن جرات باطنی و نیشخند خود نیشتر زده و چون دیگر، بیشترین عواطف و احساسات انسانی در غم و اندوه می شود و نا پذیر یاری بر قلب مردم می نشانند نزاردی و سیدم اظهار بیمارگونه اجتماع آن کشور گشت همان است که داستانهای المپه وی در ورطه غم و غوط ورنی کند تا هیچ وقت مقصودش در رطلایم درد و اندوه کم نشود و بی هدف نباشد و امید علان و معالجه با مردم است.

گوهر مراد دانشمندان بی کار بود و بعضی از آثار وی بکلی محدود به

یک دوره است و در ادبیات ابلاغی محسوب می شود و بی با وجود این فن نمایشنامه

نویسی در ایران بدون گوهر مراد نمی تواند گوهر مفسور را بیاید. بسیار نوشته ها از او داریم

و بررسی هر یک باید یک فصل باشد.

## نتیجه‌گیری

آشنای با افکار و اندیشه‌های اروپای قیامی‌س‌دار الفنون و چاپخانه و نشر افکار آزادخواهان  
 در کتب و روزنامه‌ها و برخی مسائل دیگر موجب بروز نهضت مشروطیت در اوضاع و احوال  
 اجتماعی ایران گردید. عباس مرزافتح علی‌شاه از نخستین کسانی بود که از پیشرفت‌های  
 علمی در مغرب زمین آگاهی یافت و با آوردن نخستین چاپخانه، در تبریز وسیله طبع کتاب  
 و روزنامه را فراهم آورد. همچون میرزا آق‌خان امیر کبیر و اندیشه بلند او در زمینه اصلاحات  
 مختلف و خاصه تأسیس نخستین مدرسه در ایران با نام دارالفنون که یکی از بزرگترین  
 اقدامات او بود. روزنامه نوسیدی از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه پدید آمد. ترجمه  
 مقالات و نمایشنامه‌های مرزافتح علی‌آخوندزاده و رسالات و اشعار میرزا آقاخان  
 کرمان و سیاحت‌نامه زمین‌العابدین مراغه‌ای از جمله کوشش‌های بود که سخت در روشنی  
 از دهان خوانندگان آن روز و پیدای اندیشه‌های آزادخواهی مؤثر افتاد.  
 چنین بود که احتیاج روزافزون به چاپ کردن و خواندن کتاب و روزنامه  
 و زیاد شدن تعداد باسوادان و ایجاد مدارس جدید روز به روز بیشتر احساس می‌شد.  
 این دوره بود که نمایشنامه‌های بعد دیگری بر صحنه ادبیات فارسی پدید آمد. نمایشنامه‌ها  
 کم‌بهرترین وسیله تفریح و پیداری مردمان به‌شمار می‌رود در انواع مختلف در سراسر جهان

معروف گشت چون تراژدی، پانحنامه، ملدی، فارس، میلودارم، لالبازی و برخی دیگر.

مانند اغلب علوم و فنون نهایتنامه هم در ایران به اروپا آمد حالانکه

در ایران قدیم هم نهایتنامه نوشته شده بود ولی آن مربوط به مذهب و دین بود

فن نهایتنامه اروپایی در قرن اخیر به تقلید اروپا در ایران معمول شده در صد سال افری

چند تنی از ایرانیان کوشیدند که نهایتنامه را ابراز نشاندند و هایتیهای تازه کنند اولین

بار نهایتنامه ها به تقلید اروپاییان نوشتند که در دست می باشد یکی از آثار نهایتنامه

نویسن معروف آذربایجان فتحعلی آخوندزاده است که توسط میرزا جعفر قزاقی داغی نگاشته

ترجم شده است و دیگر نوشته های منسوب به پیرنلس مزارمکلم خان ناظم الدوله می باشد

لیس یکی بعد دیگر نهایتنامه فتح علی آخوندزاده به توسط میرزا جعفر قزاقی داغی از ترکی

ترجم گردید در آن جلد به ابراهیم خلیل کیمیاگر، حسن و تولد مرد خیس و غیره معروف اند.

در بین نهایتنامه نویس های برجسته ترین جدید مزار احمد محمودی

(که نخستین نهایتنامه جدید بود) و مرتضی کلمی فکری، حسن مقدم، سپید علی نصر،

رضا کمال شرفزاد، صادق هدایت نام برد و از همه بیشتر غلام حسین ساعدی

مقام بلند دارد که پیش از دوازده و سیزده نهایتنامه نوشت غلام حسین ساعدی

در آذربایجان متولد شد همان جا تحصیل علم کرد. غلام حسین ساعدی که در نهایتنامه

نویسنده مهارت داشت بر موضوع‌های مختلف نمایشنامه نوشتن او نمایشنامه‌ها خود را بطور  
 وسیله‌ای برای پیغام‌رسانی خود بصورت مؤثر و در قالب نمایشنامه نویسنده بکار برده  
 است. همه نوشته‌های غلام حسین ساعدی دو جنبه دارد. نمایشنامه او خیلی ساده و روان  
 و سببوی و انتقادی است.

یکی از نمایشنامه‌های معروف او بنام دیکته است که در آن افکار  
 متجدد و روشنفکری ساعدی دیده می‌شود. دیکته را به معنی دیکته امتحان و هم برای بکار برده  
 است. چوب به دستهای ورزیدگی از موفق‌ترین نمایشنامه‌های سعیدی است که حقائق  
 مسایع زندگی ایرانیان و تسلط استعمار شوروی‌ها را در خیال پررازی نشان بدهد. نمایشنامه‌ای  
 با کلاه ای بی‌کلاه موضوع کودتا که مطرح کرده است نمایشنامه چشمم در برابر چشمم به طرز بیان  
 "از همه بگری چوبت راها، بجا نهند و هر کسچند راست که انتقاد بر علیه وضع اقتصاد کشور  
 اشته گری با بسانی جامع، ناز اهل سیاستمداران و ناعاقبت اندیشی مردم ایران است.  
 اثر گوهر مراد نشانگر نگرش از مادیت است و سخن درباره لافان روز می‌گوید  
 وی نتوانست خود را از دنیای مادیت بیرون بکشد. درین مورد را بهترین بابای دنیا  
 "دعوت" بیابای مکتوب و بی‌محتوی دارد.

## کتابیات

- ۱ آدمیت، فریدون . امیر کبیر و ایران در چاپ سوم تهران " ۱۳۳۸
- ۲ آدمیت، فریدون . - فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران ۱۳۴۵
- ۳ آدمیت، فریدون . - ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران ، تهران ۲۵-۳۵
- ۴ آری، یحیی ، - از صبا تا نیما ۲ جلد کتابهای جیبی ، ۱۳۵۰
- ۵ آژند، یعقوب ، - ادبیات نوین ایران، چابخانه سپهر، تهران - ۱۳۶۳
- ۶ ادیب سید مسعود حسن رضوی - ایرانیزون کامقدس درباره نسیم بگد پو لونس رود کلفو - ۱۹۴۴
- ۷ اسکندری عباس - تاریخ مفضل مشروطیت - غزل - ۱۳۶۱
- ۸ اوزن اوین - ایران امروز ترجمه علی اصغر سعیدی تهران بی تا ---
- ۹ ایرج افشار - - نشر فارسی معاصر تهران بی تا " " ۱۱
- ۱۰ بینا اکبر - - تاریخ دیپلوماسی و سیاسی ایران تهران ۳۸ - ۳۳۳
- ۱۱ بیضای بهرام - هنرنامه در ایران - - - - -
- ۱۲ پرفسور بیتیر آوری - تاریخ معاصر ایران، ترجمه رضی میرآباد عطای تهران - - - - -
- ۱۳ جننتی عطای دکتر ابوالقاسم، بنیاد نمایش در ایران چاپ دوم - - - - -
- ۱۴ حاکی اسماعیل ، ادبیات معاصر - - - - -



- ۱۵ حسن عابدی، صدسال داستان نویسی در ایران - چاپ دوم نشر تندر - - - ۱۳۴۹
- ۱۶ حقوق محمد، ادبیات معاصر ایران کتاب درسی آموزش تهران - - - ۱۳۵۴
- ۱۷ دانشور علی نورالله، تاریخ مشروط ایران و جنبش وطن پرستان و امپفهان و مجتاری، تهران ۱۳۳۵
- ۱۸ دکتر رضیه اکبر - ایران بین جدید فارسی ادب که پیاپی سال ۱۹۵۰ - ۱۹۰۰ هیدرآباد ۱۹۹۱م
- ۱۹ دکتر جعفر باقی، مهر چمن سبوی نشتنه، ادبیات معاصر فارسی، چاپ نیل ۱۳۷۵
- ۲۰ دکتر شفق درام معاصر ایران نشر بهار خوار، بیان جلد چهارم شماره اول
- ۲۱ دکتر غلام رضا درام، تاریخ سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران، معین، تهران ۱۳۴۹
- ۲۲ فرهنگ داستان نویسان ایران، چاپ اول انتشارات تهران دبیران ۱۳۴۴
- ۲۳ دکتر محمد استغالی - بررسی ادبیات امروز ایران تهران ۳۵-۳۶
- ۲۴ دکتر مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران تهران بی تا
- ۲۵ رهبران، هنر - آشنای با ادبیات معاصر ایران، پیام نور - ۱۳۷۵
- ۲۶ سعید نفیسی: - شاهکارهای نشر فارسی معاصر ۲، معرفت تهران بی تا
- ۲۷ شمیم، علی اصغر - ایران در دوره سلطنت قاجار، ابن سینا تهران ۱۳۷۱
- ۲۸ عبدالرضا، هوشنگ: - تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفوی تا پایان جنگ جهانی دوم سیرغ تهران ۱۳۵۵

- ۲۹ علی اکبر ولایتی - مقدمه فکری نهضت مشروطیت دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۴۸
- ۳۰ عبداللہ انصاری - تاریخ کامل ایران - اقبال ۱۳۷۲
- ۳۱ ساعدی غلام حسین - چوب به دستهای وزیریل
- ۳۲ " " " " - دیگته
- ۳۳ " " " " - دعوت
- ۳۴ " " " " - چشم در برابر چشم
- ۳۵ " " " " - بهترین بابای دنیا
- ۳۶ " " " " - ماه اسل
- ۳۷ " " " " - اهل وهوا
- ۳۸ " " " " - دعوت
- ۳۹ " " " " - واحمه های بی نام و نشان
- ۴۰ " " " " - دنیل ۱۳۳۵ هجری
- ۴۱ کیا نوش محمود - بررسی شعر و نثر فارسی معاصر چاپ دوم انتشارات مانی ۱۳۵۱
- ۴۲ م علینژاد: - مسایل ادبیات نون ایران تهران ۱۳۵۴
- ۴۳ محمد اسلم خان ء دکتر و نثر نو حسین قاسمی، دکتر انتخاب نثر معاصر فارسی دهلی ۱۹۹۱م

۱۳۴۹

۳۴ ناظم الاسلام کرمانی، محمد - تاریخ بیداری ایران چنان تهران

۱۳۵۲

۳۵ یاسمی رشیدی - - ادبیات معاصر ایران - انتشارات ابن سینا